ماندگار

روزنامۀ صبح افغانستان

www.mandegardaily.com

سال ۱۱ ● شمارۀ مسلسل ۲۶۵۶ ● یکشنبه ۲۹ جدی/ دی ۱۳۹۸ ● ۲۳ جمادی‌الاول ۱۴۴۱ ● ۱۹ جنوری ۲۰۲۰

۲

حکـومتِ اختـلاس‌گر
و سـرنوشت کمـک‌های جهـانی

۷

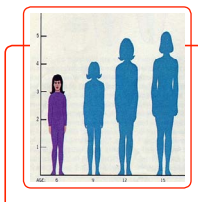

بررسی بلوغ با رویکرد فقه القرآنی
در منابع شیعه و سنی و قانون

فروش وسایط و تجهیزات نظامی نیروهای امنیتی به طالبان

بررسی‌های هیأت اعزامی مجلس نمایندگان به ولایت فراه نشان می‌دهد که وسایط و تجهیزات نظامی نیروهای امنیتی در جمعه‌بازار این ولایت به طالبان فروخته می‌شود.

هیأتی از مجلس نمایندگان که برای بررسی مشکلات ارگان‌های امنیتی و دفاعی به ولایت فراه رفته بود، امروز یافته‌های بررسی‌اش را در مجلس ارایه کرد.

بررسی‌های این هیأت نشان می‌دهد که ادارۀ محلی و فرماندهی پولیس فراه با کمبود تشکیلات مواجه است.

عبدالستار حسینی، عضو مجلس نمایندگان که ریاست این هیأت را به عهده داشت می‌گوید، لباس زمستانی و وسایل تنویر و مواد سوخت برای گرم کردن پاسگاه‌های نیروهای امنیتی وجود ندارد و سربازان با پول شخصی مجبور به خرید وسایل مورد نیازشان می‌شوند.

به گفتۀ آقای حسینی، والی فراه در اظهارات خود گفته است که وسایل و تجهیزات نظامی نیروهای امنیتی در جمعه‌بازار این ولایت به فروش می‌رسد و از آن‌ها در عملیات‌های نظامی علیه نیروهای امنیتی استفاده می‌شود.

این عضو مجلس نمایندگان هم‌چنان می‌گوید، سربازان در فرماندهی پولیس فراه از تجهیزات کافی نظامی برخوردار نیستند و در بسیاری از مناطق، نیروهای امنیتی زیر تهدید امنیتی قرار دارند.

خواستیم دیدگاه والی فراه را نیز در گزارش داشته باشیمۀ، اما به دلیل قطع شبکه‌های مخابراتی موفق به برقراری تماس نشدیم.

تأکید ریاست حکومت وحدت ملی:

بدون آتش‌بس تلاش‌های صلح نتیجه ندارد

افغانستان نباید به طالبان فروخته شود

صفحه۳

افغانستان و اولویت اصلی امریکا

صفحه٦

کمیسیون شکایات بیش از ۲ هزار
اعتراض استیناف‌خواهی ثبت کرده است

صفحه۳

مجلس:

ترویج افراطیت زیر نام ارشادات دینی قابل قبول نیست

شماری از اعضای مجلس نمایندگان در واکنش به گفته‌های مولوی مجیب‌الرحمان انصاری، خطیب مسجد گازرگاه هرات می‌گویند، ترویج افراطیت زیر نام ارشادات دینی قابل قبول نیست و باید اظهارات علمای دین در چارچوب قانون اساسی باشد.

به گفتۀ آنان، افزایش فعالیت‌های افراطی و عدم توجه حکومت در این باره، زمینه را برای ایجاد گروه‌های جدید افراطی مساعد می‌سازد.

میررحمان رحمانی، رییس مجلس نمایندگان در واکنش به گفته‌های مولوی انصاری می‌گوید، افراطیت در کشور قابل قبول نیست و علمای دین به جای ساخت قانون شخصی، در چارچوب قانون اساسی عمل کنند.

بلقیس روشن، عضو مجلس نمایندگان، وزارت حج اوقاف را به بی‌کفایتی متهم می‌کند و می‌گوید، رسیده‌گی به امور مذهبی و هم‌چنان نظارت بر فعالیت مساجد و ملا امامان از وظایف وزارت حج و اوقاف افغانستان است.

شماری از فعالان حقوق زن در ولایت بلخ در گردهمایی گفته‌های مجیب‌الرحمان انصاری، خطیب مسجد گازرگاه هرات غیرمسئولانه می‌دانند.

به گفتۀ آنان، اظهارات نفرت‌انگیز و نصب پیام‌های زن‌ستیزانه سبب برهم زدن نظم عمومی در کشور می‌شود.

این گفته‌ها در حالی بیان می‌شود که چند هفته پیش مولوی مجیب‌الرحمان انصاری، خطیب مسجد گازرگاه هرات گفته بود که فساد اخلاقی در حال افزایش است و هرگاه فردی را به اتهام فساد اخلاقی در جوار خواجه عبدالله انصاری بازداشت کند، حکم شرعی را بالایش جاری خواهد کرد.

کمیسیون حقوق بشر خواهان عدم استفاده از ماین‌های کنار جاده شد

کمیسیون حقوق بشر از عاملان به کارگیری ماین‌های کنار جاده در کشور خواسته است که با احترام به حق حیات، این روش جنگی را کنار بگذارند.

کمیسیون مستقل حقوق بشر دیروز در یک خبرنامه، ماین های جاسازی شده در کنار جاده را عامل اصلی تلفات غیرنظامیان خوانده است.

این کمیسیون با ابراز نگرانی از افزایش تلفات غیرنظامیان، از عاملان به کارگیری ماین‌های کنار جاده ای خواسته است که با احترام به حق حیات و گشت‌وگذار مردم، این روش جنگی را کنار بگذارند.

این اظهارات کمیسیون حقوق بشر در حالی مطرح شده که در آخرین مورد انفجار ماین کنار جاده در کشور، روز پنج شنبه گذشته پنج تن از مهندسان بخش پایه‌سازی شرکت برشنا در منطقۀ زیارت آخند صاحب ولسوالی شهر صفای ولایت زابل جان باختند.

پیش از این هیأت معاونت ملل متحد در افغانستان نیز خواستار توقف استفاده از ماین‌های کنار جاده‌یی شده بود.

سخن ماندگار

کمیسیون شکایات معجزه نمی‌تواند
حکومت مشارکتی انتخابات‌محور شکل بگیرد

کمیسیون شکایت‌های انتخاباتی، اخیراً آرایِ پنج‌هزار و سه‌صد و شانزده محل را به بازشماریِ فرستاده است. این اقدام کمیسیون شکایت‌های انتخاباتی با واکنش‌هایی مواجه شده است. تیم دولت‌ساز آن را خلافِ قانون می‌خواند و تیم ثبات‌وهمگرایی آن را بسنده نمی‌داند و کمیسیون انتخابات هم تا کنون این مورد را اجرایی نکرده است. اگرچه ممکن است که کمسیون شکایت‌های انتخاباتی در نهایت همکاری کمیسیون انتخابات را با خود داشته باشد و کار بازشماری را آغاز کند؛ اما با توجه به گام‌هایی که برداشته، محال است که بتواند قناعتِ نامزدان انتخاباتی را فراهم سازد. زیرا کاری که کمیسیون انتخابات انجام داد، سبب محاسبه‌شدن برخی از آرایِ نامشروع شد و نتیجۀ اعلان شده از جانب کمیسیون انتخابات، با وصف آن‌که ممکن است با باطل شدن بیش از ۱۲ هزار رای آقای غنی برهم بخورد؛ اما بسیار ممکن است که با کم‌شدن مقداری رای از همۀ نامزدان، عین نتیجه را مورد تأیید قرار بدهد. بنابرین معجزه‌یی از جانب کمیسیون شکایات رخ نخواهد داد که سبب شود هم نتایج برگردد و هم نارضایتی‌ها خاموش شود. ممکن است که کمیسیون شکایت‌های انتخاباتی، با نتایج انتخابات مسامحه کرده و مصلحتی عمل کند که در این صورت پا جای پایِ کمیسیون انتخابات گذاشته و هیچ اعتباری را برای انتخابات نمی‌گذارد. اگر کاری کند که انتخابات به دور دوم برود، بازهم دامنه‌دارتر شدنِ چالش‌های سیاسی را به همراه خواهد داشت و در هر دو صورت، کشور به سمت اوج بحران انتخاباتی حرکت می‌کند. در صورتی که غنی برنده اعلام شود، طرف تأیید ثبات و همگرایی و شورای نامزدان نخواهد بود و اگر عبدالله برنده اعلان شود نیز مورد تأیید تیم دولت‌ساز و نامزدان همسوی آن نخواهد بود و بنابراین تنش در میدان انتخابات بیشتر می‌شود و اگر فرصت برای رفتن به دور دوم مساعد شود، بازهم این انتخابات باید در بهار سال نو برگزار شود؛ زیرا در زمستان امکان کمپاین وجود ندارد. با این اوصاف، خوب‌ترین راه اکنون این است که کمیسیون شکایت‌های انتخاباتی کارش را بدون ملاحظاتِ سیاسی انجام دهد و در هراس از عواقبِ تصمیم درستش نباشد. یعنی در قدم اول، کمیسیونِ شکایت‌ها به درستی آرای باطل را باطل‌تر کند و از رده خارج سازد و سپس کمیسیون انتخابات با توجه به کمیت اندکِ شرکت‌کننده‌گان در انتخابات و پوره نکردن ۵۰+ یک که بتواند مشروعیتی برای نامزد برنده بدهد، نامزدی با بیشترین رای را معرفی کند، نه برنده در انتخابات را و بعداً با توجه به شرایطی که افغانستان در آن قرار گرفته است، میکانیزمی برای شکل‌گیری یک حکومتِ مشارکتی فراگیرتر از محور نامزدی با بیشترین رایِ ساخته شود. زیرا از یک طرف، سطح اشتراکِ مردم در انتخابات بسیار پایین و نیز سطح تقلب بیشتر بوده است و بنابراین راهی جز پرداختن به همان طرحی که شورای نامزدان انتخابات ریاست جمهوری ارایه کرده‌اند، نیست. مسلماً انتخابات ریاست جمهوری ششم میزان، با مهندسی و تقلبِ هرچه بیشتر برگزار شد و نتیجۀ آن هرچه که باشد جنجالی خواهد بود؛ بنابراین، برای این‌که هم به انتخابات احترام شده باشد و هم با تقلب و دروغ خداحافظی؛ باید روی طرح «حکومت مشارکتی انتخابات‌محور» کار صورت گیرد. این همان چیزی است که در اظهارات مقامات امریکاییِ ناظر بر انتخابات هم مطرح بوده است.

حکومتِ اختلاس‌گر و سرنوشت کمک‌های جهانی

احمد عمران

در هجده سال گذشته، جامعۀ جهانی همواره از کمک‌های مشروط به افغانستان سخن گفت؛ حتا یک بار برای این‌که کمک‌ها مورد سوءاستفاده واقع نشود، کمیته‌یی ساخته شد که از مصرفِ کمک‌ها نظارت کند. اما بازهم جلو فساد و غارتِ پول‌ها گرفته نشد. چرا؟ چون در افغانستان حکومتی ساخته نشد که پاسخ‌گو و مسوول باشد. حکومت‌هایی که در هجده سال گذشته ایجاد شدند، حکومت‌های دزد و غیرمسوول بودند که در محور چپاول کمک‌های جهانی شکل گرفتند. امروز هم اگر در افغانستان حکومت مسوول و پاسخ‌گو به میان نیاید، کمک‌های فعلی نیز به سرنوشتِ کمک‌های قبلی دچار خواهد شد

ادارۀ ویژۀ بازرس ایالات متحدۀ امریکا در امور بازسازی افغانستان یا سیگار در تازه‌ترین گزارش خود به کانگرس این کشور، یک بار دیگر بر فساد موجود در افغانستان انگشت گذاشته و گفته است که کمک‌های امریکا به این کشور باید مشروط ساخته شود. در این گزارش جان ساپکو آمده است که امریکا باید از پرداختِ پول به کشورهایی مثل افغانستان به‌صورتِ مستقیم خودداری ورزد؛ زیرا بیشتر پول‌های کمک‌شده به چنین کشورهایی حیف‌ومیل می‌شود.

شاید از زمانی که پای جامعۀ جهانی به افغانستان باز شده، به اندازه‌یی که بحث فساد در کشور برای آن‌ها دغدغه ایجاد کرده و در مورد آن هشدار صادر کرده‌اند، هیچ بحثِ دیگری از چنین اهمیتی برخوردار نبوده است. بر اساس گزارش‌های رسمی، تنها امریکا از زمان ورود خود به افغانستان تا به حال حدود ۱۳۲ میلیارد دالر کمک مالی کرده است. کشورهای دیگرِ غربی و آسیایی نیز کمک‌هایی به افغانستان برای بازسازی آن داشته‌اند که با وجود چشم‌گیر بودن، به اندازۀ کمک‌های مالی امریکا نبوده است.

پس از سقوط رژیم طالبان کشورهای غربی که زیر نام مبارزه با تروریسم وارد افغانستان شده بودند، تلاش کردند با ارایۀ کمک‌های مالی و انسانی به افغانستان، این کشور جنگ‌زده و زیرخط فقر را از وضعیتِ بحرانی بیرون کنند. بدون تردید کمک‌های جامعۀ جهانی برای بازسازی افغانستان مفید و موثر بوده، اما با توجه به میزان هنگفتِ کمک‌های انجام‌شده، آنچه که صورت گرفته، رضایت‌بخش به نظر نمی‌رسد. پس از جنگ جهانی دوم، آلمان که به ویرانه مبدل شده بود، با کمک چند میلیون دالری کشورهای ثروتمند به کشوری با بنیادهای قوی اقتصادی و سیاسی مبدل شد که حالا یکی از هشت کشور صنعتی جهان به شمار می‌رود؛ اما افغانستان با کمک‌های میلیارد دالری همچنان کشوری فقرزده، درگیر جنگ و نابسامانی‌های سیاسی است. به گفتۀ بازرس ویژۀ امریکا در امور بازسازی افغانستان، ۵۵ درصد مردم با درآمد کمتر از یک دالر زنده‌گی می‌کنند. مشکل جنگ و ناامنی در بزرگترین شهرهای افغانستان بیداد می‌کند، پس از چهار ماه که از انتخابات ریاست‌جمهوری ششم میزان می‌گذرد، هنوز نتیجۀ آن معلوم نیست. حکومت‌داری عملاً به یک فاجعه تبدیل شده است. آن‌قدر اداره‌های موازی و تشکیل‌های بیرون از عرفِ حکومت‌داری در ارگ ساخته شده که وزیران یکی از پی دیگر از کار کناره‌گیری می‌کنند بدون آن‌که هیچ تغییری در وضعیت رونما شود.

آقای غنی که خود را سیاست‌مدار و مدیری موفق در امور کشورداری می‌داند، این‌همه بدبختی را یا نمی‌بیند و یا می‌بیند ولی دم نمی‌زند. در کابل در روز روشن عابران را غارت می‌کنند اما هیچ اداره‌یی نیست که مسوولیت تأمین جان و مالِ مردم را به عهده بگیرد. آیا کسی از خود پرسیده که این‌همه دزدی و غارت‌گری از کجا و از چه ناشی می‌شود. بدون تردید بخشِ قابل توجهی از این دزدان به دلیل فقر و بی‌کاری دست به چنین اعمالی می‌زنند. اگر طی سال‌های گذشته همان‌گونه که آقای غنی در انتخابات قبلی وعده کرده بود، می‌توانست بخشی از معضل بی‌کاری را حل کند، حالا لازم نبود که مردم نگرانِ موبایل و بکس جیبی‌شان باشند. وقتی دزدی در چنین سطح نازلی قرار می‌گیرد، مشخص است که عامل آن ثروت‌اندوزی و صاحب مکنت و جلال شدن نیست، بل عده‌یی در اعتراض به وضعیتِ موجود این راه را برای ارتزاقِ خود و خانواده‌های‌شان برگزیده‌اند.

مسلماً افغانستان دزدهای کلان هم دارد؛ آنانی که طی هجده سال گذشته کمک‌های جامعۀ جهانی را حیف‌ومیل کرده‌اند. به چنین افرادی در فرهنگ سیاسی و حکومت‌داری افغانستان «دزد» گفته نمی‌شود و هیچ قانونی هم در پی دستگیری و مجازات‌شان نیست. این افراد که در موقعیت‌های کلیدی کشور کار می‌کنند، به‌ساده‌گی مشغول چور و چپاول دارایی‌های عامه و کمک‌های جهانی به مردم افغانستان اند. در واقع دزدهای اصلی، این افراد اند که با چور و چپاول خود، فضای فعلی را رقم زده‌اند. فردی که موبایل می‌دزدد، در واقع قربانی بی‌عدالتیِ چنین افرادی شده است که نگذاشتند او صاحب کار و کسب آبرومند شود. حالا آیا امکان آن است که با شرط و شروط گذاشتن، جلو چنین دزدهای بزرگی گرفته شود؟!

در هجده سال گذشته، جامعۀ جهانی همواره از کمک‌های مشروط به افغانستان سخن گفت؛ حتا یک بار برای این‌که کمک‌ها مورد سوءاستفاده واقع نشود، کمیته‌یی ساخته شد که از مصرفِ کمک‌ها نظارت کند. اما بازهم جلو فساد و غارتِ پول‌ها گرفته نشد. چرا؟ چون در افغانستان حکومتی ساخته نشد که پاسخ‌گو و مسوول باشد. حکومت‌هایی که در هجده سال گذشته ایجاد شدند، حکومت‌های دزد و غیرمسوول بودند که در محور چپاول کمک‌های جهانی شکل گرفتند. امروز هم اگر در افغانستان حکومت مسوول و پاسخ‌گو به میان نیاید، کمک‌های فعلی نیز به سرنوشتِ کمک‌های قبلی دچار خواهد شد.

آقای ساپکو قبل از همه چیز باید به کانگرس امریکا از وضعیتِ حکومت‌داری افغانستان که اتفاقاً به کمکِ آن کشور به وجود آمده، گزارش دهد. جامعۀ جهانی نخست باید حکومت‌هایی را که در افغانستان ایجاد و حمایت کرده‌اند، مورد بازنگری قرار دهند و بعد در مورد کمک‌های مالی‌شان نگران باشند. این حکومت‌ها تا زمانی که بر سر قدرت اند، راه دزدی از دارایی‌های عامه را با تمام شرط و شروطی که وضع شود، پیدا می‌کنند.

کمیسیون شکایات بیش از ۲ هزار اعتراض استیناف‌خواهی ثبت کرده است

مسوولان در کمیسیون شکایات انتخاباتی می‌گویند که بیش از دو هزار مورد اعتراض استیناف‌خواهی در ارتباط به فیصله‌های دفاتر ولایتی به دفتر مرکزی این کمیسیون ثبت شده است.

روند رسیده‌گی به شکایات انتخاباتی به تاریخ ۷ ماه جاری در دفاتر ولایتی کمیسیون شکایات انتخاباتی آغاز شد و هفته گذشته این روند در ولایات خاتمه یافت.

محمد رضا فیاض، معاون سخنگوی کمیسیون شکایات انتخاباتی در صحبت با خبرگزاری جمهور گفته است: «تاهنوز ۲۲۰۰ مورد اعتراض استیناف‌خواهی در ارتباط به فیصله‌های دفاتر ولایتی ما در دفتر مرکزی ثبت شده است».

آقای فیاض گفت: «روند دریافت اعتراض استیناف‌خواهی تا ختم امروز {دیروز} ادامه دارد و امکان دارد که مورد اعتراض استیناف‌خواهی افزایش یابد.»

او بیان داشت، بیشترین موارد اعتراض استیناف‌خواهی در ولایات ننگرهار؛ کنر و لغمان ثبت شده است.

در نتیجۀ رسیده‌گی به شکایات انتخاباتی آرای ۲۵۵۵ محل به بازشماری سوق داده شده است.

مسوولان در کمیسیون انتخابات می‌گویند که آماده‌گی برای محلات که به بازشماری سوق داده است گرفته شده اما تاهنوز جزئیات آن از سوی کمیسیون شکایات با کمیسیون انتخابات شریک نشده است.

ذبیح‌الله سادات سخنگوی کمیسیون انتخابات می‌گوید: «کمیسیون شکایات انتخاباتی تاهنوز جزئیات محلاتی که به بازشماری سوق شده است را برای ما نفرستاده است».

آقای سادات گفت: «هر وقتی جزئیات محلات با ما رسید ما یک ارزیابی از آن داریم، باز با هماهنگی نهادهای امنیتی روند بازشماری را آغاز می‌کنیم».

اما محمد رضا فیاض معاون سخنگوی کمیسیون شکایاتی انتخاباتی می‌گوید که کمیسیون شکایات جزئیات محلات که به بازشماری سوق داده شده را چهارشنبۀ هفته گذشته به صورت آنلاین با کمیسیون انتخابات شریک کرده است.

در عین حال، دسته انتخاباتی ثبات و همگرایی به رهبری داکتر عبدالله عبدالله اعلام کرد که جنجال‌ها بر سر ۱۰۲ هزار رای خارج از زمان پابرجاست و یک هزار شکایت استیناف‌خواهی از سوی دستۀ انتخاباتی ثبات و همگرایی به ثبت رسیده است.

خان زمان مدبر سخنگوی دسته انتخاباتی ثبات و همگرایی می‌گوید: جنجال‌ها تا هنوز بر سر ۱۰۲ هزار رای خارج از زمان پا برجاست و بعضی از دفاتر ولایتی کمیسیون رسیده‌گی به شکایات به این آرا مشروعیت داده و بعضی از دفاتر ابطال و بقیه به دفتر مرکزی کمیسیون رسیدگی به شکایات راجع کرده اند.

او گفت: ما بیشترین میزان شکایات را در کمیسیون شکایات انتخاباتی به ثبت رسانیده بودیم و کمیسیون شکایات چندی قبل روند رسیدگی به شکایات را اختتام یافته اعلام کرد و روند ثبت شکایات استیانفی آغاز شد.

آقای مدبر ابراز امیدواری کرد که کمیسیون شکایات انتخاباتی به شکایات استیناف خواهی اعضای تیم انتخاباتی ثبات و همگرایی رسیده‌گی جدی نماید.

سخنگوی دسته انتخاباتی ثبات و همگرایی اضافه کرد، یک موردی که ما بالای آن انتقاد داریم بحث روی ۱۰۲ هزار رای خارج از زمان است که در بعضی ولایات ۱۰۲ هزار رای خارج از زمان باطل شده در بعضی ولایات ابطال نشده در بعضی ولایات به کمیسیون مرکزی شکایات راجع شده است که این کار چندگانه‌گی در فیصله را نشان می‌دهد.

او می‌گوید: تمامی دفاتر ولایتی کمیسیون شکایات ۱۰۲ هزار رای که قانون و طرزالعمل میگوید ابطال است باید باطل می کرد که در بعضی ولایات باطل و در بعضی از ولایات به این آراء مشروعیت داده شده است.

به گفتۀ آقای مدبر کمیسیون شکایات انتخاباتی تا هنوز در این زمینه « ۱۰۲ هزار رای خارج از زمان» پاسخ قناعت‌بخش به دسته انتخاباتی ثبات و همگرایی ارایه نکرده است.

از سوی دیگر، یوسف رشید رییس اجراییی بنیاد فیفا در مورد انتخابات می‌گوید: دسته‌های انتخاباتی که فیصله‌ها به نظرشان قناعت‌بخش نیست می‌توانند به کمیسیون شکایات راجع سازند.

آقای رشید افزود: سطح اعتراضات در کمیسیون شکایات بالا رفته و قناعت در فیصله‌های دفاتر ولایتی کمیسیون شکایات کمتر بوده است و حجم سنگین از اعتراضات بالای کمیسیون مرکزی شکایات انتخاباتی رسیده و این روند کار وظایف کمیسیون شکایات را زیاد می‌سازد و از سویی هم مدت زمان قانونی همان ۱۵ روز وقت تعیین شده را نقض کرده است.

به باور آقای رشید دلیل بی‌اعتمادی به تصامیم دفاتر ولایتی کمیسیون مستقل انتخابات این است که در بعضی از شکایات مشابه تصامیم دفاتر ولایتی کمیسیون شکایات متفاوت بوده یکی از موارد آن رای خارج از وقت است که بعضی از دفاتر ولایتی کمیسیون شکایات به تفتیش فرستاده ولی بعضی دفاتر به کمیسیون مرکزی راجع ساخته است.

از سویی هم محمد قاسم الیاسی، منشی و سخنگوی کمیسیون شکایت‌های انتخاباتی گفت، آرای ۵ هزار و ۳۱۶ محل رأی‌دهی در ۲۰ ولایت، بازشماری می‌شود.

الیاسی خاطرنشان کرد: «آرای ۱۶۹۹ محل در کابل، ۱۱۷ محل در کاپیسا، ۹۲ محل در پروان، ۲۵ محل در میدان وردک، ۱۷ محل در لوگر، ۱۵۸۲ محل در ننگرهار، ٦ محل در بغلان، ٦۵ محل در غزنی، ۳۸۳ محل در پکتیکا، ۱۸٦ محل در پکتیا، ۵۳ محل در خوست، ۲۴۳ محل در کنر، ۷۳ محل در تخار، ٤٦ محل در کندز، ۵۱ محل در غور، ٦۱ محل در زابل، ۱۲۱ محل در قندهار، ۲٦۵ محل در هلمند، ٦۰ محل در هرات و ۱۷۷ محل در نیمروز، به بازشماری می‌رود.»

قرار است پس از فیصله کمیسیون رسیده‌گی به شکایات انتخاباتی، نتیجۀ نهایی انتخابات ریاست‌جمهوری اعلام شود.

تأکید ریاست حکومت وحدت ملی:

بدون آتش‌بس تلاش‌های صلح نتیجه ندارد
«افغانستان نباید به طالبان فروخته شود»

روح‌الله بهزاد

مسوولان در ریاست حکومت وحدت ملی تأکید دارند که تأمین آتش‌بس، اولویت و خواست اساسی «حکومت» و «مردم افغانستان» است و تا زمانی که به آن توجه نشود، تلاش‌های صلح نتیجه نخواهد داد.

صدیق صدیقی، سخنگوی این ریاست دیروز دوشنبه، ۲۸ جدی در یک نشست خبری گفت که «کاهش خشونت» و یا هر طرحی دیگری که از سوی طالبان و امریکایی‌ها روی آن توافق می‌شود، اما خواست حکومت این است که آتش‌بس تأمین شود تا مسیر گفت‌وگوی آنان با «حکومت افغانستان» باز شود.

بدون آتش‌بس صلح به نتیجه‌یی نمی‌رسد

صدیق صدیقی، سخنگوی ریاست حکومت وحدت ملی گفت که قطع جنگ و رسیده به صلح در کشور یکی از اولویت‌های حکومت و یکی از خواست‌های مردم افغانستان است. آقای صدیقی بیان کرد که حکومت از آغاز گفت‌وگوهای امریکا با طالبان تا کنون به آتش‌بس تأکید کرد، اما دیده شد که در جریان این گفت‌وگو، به این خواست «حکومت» و «مردم افغانستان» توجه نشد.

آقای صدیقی موافقت طالبان به «کاهش خشونت‌ها» برای هفت تا ده روز را ناشی از تأکید محمداشرف غنی به اهمیت آتش‌بس خواند و گفت که طالبان زمانی به آتش‌بس توجه کردند که آقای غنی با دونالد ترامپ روی آتش‌بس گفت‌وگو کرد و به اهمیت آن برای تسهیل گفت‌وگوها تأکید کرد و پا فشرد.

صدیق صدیقی می‌گوید اگر طالبان به تأمین آتش‌بس موافقت نکند، تلاش‌های برای آوردن صلح و ختم جنگ به نتیجه نخواهد رسید. به گفتۀ او، وقتی حکومت افغانستان پیشرط آتش‌بس را به گروه طالبان در قطر پیشنهاد کرد، آنان به پاکستان نزد رهبرانشان رفتند تا با آنان که در خاک پاکستان حضور دارند، مشورت کنند.

سخنگوی ارگ در بخشی از سخنانش گفت که طالبان با هیأت امریکایی در قطر در حال گفت‌وگو روی موضوع «کاهش خشونت‌ها» هستند، اما اطلاعات حکومت نشان می‌دهد که دو طرف به نتیجه نرسیده اند. صدیقی اظهار داشت که بالای هر طرحی در قطر صحبت شود، اما خواست مردم افغانستان این است که «آتش‌بس» برای گفت‌وگو و تأمین صلح برقرار شود.

او اظهار امیدواری کرد که طالبان با «پیشنهاد آتش‌بس از پاکستان» به قطر برگشته باشند و خواست حکومت افغانستان برای آتش‌بس و آغاز گفت‌وگو با حکومت را بپذیرند. سخنگوی ارگ ریاست جمهوری گفت که اگر طالبان راه جنگ را انتخابات کنند، جز تلفات غیرنظامیان و ویران جنگ، چیز دیگری به دست نخواهند آورد.

این گفته‌ها در حالی مطرح می‌شود که دو روز پیش، سخنگوی طالبان در تویترش نوشت که مقام‌های آنان با هیأت امریکایی در قطر، در بارۀ امضا توافق‌نامه صلح و مراسم آن گفت‌وگو کردند. سهیل شاهین نوشت که دو طرف گفت‌وگوی «مثمری» داشتند و این گفت‌وگو تا چند روز دیگر ادامه خواهد داشت.

هشدار از خروج «غیرمسوولانۀ» امریکا

در سوی دیگر، شاه‌محمود قریشی، وزیر امور خارجۀ پاکستان نیز به امریکا سفر کرده و در نشستی با وزیر خارجۀ این کشور، در مورد همکاری دو کشور برای روند صلح افغانستان گفت‌وگو کرده است. او در نشستی در مرکز آموزشی مطالعات بین‌المللی استراتیژیک از خروج شتاب‌زدۀ نیروهای امریکای از افغانستان هم هشدار داد و گفت حتا اگر توافق‌نامۀ امریکا با طالبان امضا شود، مشکلات افغانستان پا برجا خواهد بود. او گفته است که نیروهای خارجی خروج مسوولان از افغانستان داشته باشند و برای بازسازی افغانستان کمک‌های‌شان را ادامه دهند.

همزمان بااین، سرگی لاوروف، وزیر خارجۀ روسیه از پیشرفت‌ها در گفت‌وگو میان امریکا و طالبان استقبال کرده و گفته که امضای توافق‌نامۀ صلح بین امریکا و طالبان باید زمینۀ گفت‌وگوهای میان‌افغانی را فراهم کند. آقای لاوروف بیان کرده که روسیه با طالبان تماس دارد و تلاش می‌کند آنان را به رسیدن به یک توافق صلح و ختم جنگ و نیز گفت‌وگو با جهت‌های دیگر در افغانستان ترغیب و تشویق کند.

توافق صلح یا فروش افغانستان؟

با این‌همه، شماری از اعضای مجلس نماینده‌گان توافق صلح با طالبان را «فروش افغانستان به طالبان» می‌خوانند و می‌گویند توافقی که نماینده‌گان مردم افغانستان در آن حضور نداشته باشد، «ارزش» نخواهد داشت.

میررحمان رحمانی، رییس مجلس نماینده‌گان می‌گوید که پارلمان در روند گفت‌وگوهای صلح سهیم نیست. آقای رحمانی گفت که مجلس بارها خواهان ایفای نقش در روند گفت‌وگوهای صلح شده اما به آن توجه نشده است.

بلقیس روشن، عضو مجلس در نشست دیروز دوشنبه گفت که همواره حرف اول و آخر در مورد صلح افغانستان را مقام‌های کشورهای خارجی می‌زنند.

بانو روشن گفت که در گفت‌وگوهای صلحی که میان امریکا و طالبان جریان دارد، نماینده‌گان مردم افغانستان غایب است.

همایون شهیدزاده، نمایندۀ دیگر مجلس هشدار می‌دهد توافقی که در آن دولت و پارلمان افغانستان حضور نداشته باشد، ارزشی نخواهد داشت. او می‌افزاید که نقش دولت و پارلمان افغانستان در روند گفت‌وگوهای صلح جدی گرفته شود.

پیش از این، مجلس نماینده‌گان کمیتۀ ویژۀ صلح را برای گزینش هیأتی از مجلس برای سهیم شدن در روند گفت‌وگوهای صلح ایجاد کرد، اما گفته می‌شود اعضای این کمیته بر سر گزینش نماینده‌گان هیأت دچار اختلاف شده و کار آن به کُندی پیش می‌رود.

بدیل‌یابی برای امپریالیسم سه‌سرۀ جهانی

یونس پارسابنا

بدون تردید تغییرات عظیم در صحنۀ بین‌المللی و در اوضاع جهان در پروسۀ تشدید و تسریع جهانی‌گرایی سرمایه به‌ویژه در بیست‌واندی سال گذشته، به‌طور قابل توجهی چشم‌گیر و فوق‌العاده مهم بوده‌اند. ولی به نظر بخش قابل ملاحظه‌یی از مفسرین مارکسیست ضد نظام، واقعیت تداوم پدیدۀ امپریالیسم در اکثر مواقع کلیۀ آن تغییرات عظیم را تحت‌الشعاع قرار داده است. به عبارت دیگر، از همان آغاز سرمایه‌داری گرایش به جهانی‌گرایی و تسلط بر بازارهای جهان، چهارچوب اصلی منطق حرکت سرمایه را در خود نهفته داشت. هدف و جهت این گرایش و چهارچوب آن، رشد و تکامل سیستم سرمایه‌داری از یک شیوۀ تولیدی محلی کشوری و منطقه‌یی به یک نظام حاکم جهانی بوده است. این هدف که در ذات و جوهر (اقتضای طبیعی) نظام سرمایه‌داری در طی قرون رشد و نمو کرده بود، بدون وجود پدیدۀ امپریالیسم در تاریخ یک‌صدوسی سال گذشتۀ سرمایه‌داری انحصاری، نمی‌توانست کسب گردد.

با این‌که امروز کشورهای انگشت‌شماری در جنوب مثل چین ، برزیل و... به عنوان کشورهای "در حال عروج" و یا "اقتصادهای نوظهور" درصد بالایی از رشد و توسعۀ اقتصادی در دو دهۀ گذشته را به خود اختصاص داده‌اند، ولی قدرت مدام سیستم جهانی امپریالیسم به‌طور کلی هنوز به قوت خود باقی مانده است. نسبت شکاف بین ثروت‌مندترین و فقیرترین مناطق جهان در ربع آخر قرن بیستم، از سیزده به یک به نوزده به یک افزایش یافت. از سال ۱۹۷۰ تا سال ۱۹۸۹ (سال آغاز فروپاشی و تجزیۀ شوروی و بلوک شرقی و پایان جنگ سرد) میانگین سرانۀ درآمد تولید ملی کشورهای در حال توسعۀ جهان سوم (منهای چین) برابر "شش درصد" معدل سرانۀ درآمد تولید ملی کشورهای جی۷ (امریکا، جاپان، آلمان، فرانسه، انگلستان، ایتالیا و کانادا) بود. از ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۰۶ (نزدیک به یک سال و نیم پیش از برملاتر شدن بحران ساختاری کنونی) این عدد به پنج‌ونیم درصد کاهش یافت. در همین دوره درصد سرانه در فقیرترین ۴۸ کشور جهان سوم در مقام مقایسه با کشورهای جی۷ از یک‌ونیم درصد به نیم درصد در سال‌های ۲۰۰۶ – ۲۰۰۰ کاهش یافت.

امروز نابرابری درآمدها تقریباً در سراسر جهان روزانه افزایش یافته و شکاف در ثروت و درآمدها بین "یک درصدی‌ها" (صاحبان ثروت و قدرت) و «۹۹ درصدی‌ها» (توده‌های زحمت‌کش و کارگر) چه در کشورهای مسلط مرکز (شمال) و چه در کشورهای دربند پیرامونی (جنوب) دایماً تعمیق می‌یابد. در سال ۲۰۰۸، ثروت‌مندترین ۱۰ درصد جمعیت جهان، ۵۰ درصد تولیدات جهان را مصرف کردند. در صورتی که در همان سال ۱۰ درصد فقیرترین جمعیت جهان فقط نیم درصد کل تولیدات جهان را مصرف کردند. شایان توجه است که ۸۰ درصد کل تولیدات جهان در سال ۲۰۰۷ در کشورهای دربند پیرامونی جهان سوم (کشورهای جنوب) تولید گشتند. به عبارت دیگر، برخلاف گذشته‌های نه چندان دور (۱۹۷۰ – ۱۹۴۵) که در آن امریکا و شرکا تولید می‌کردند و جهانیان مصرف می‌کردند، امروز جهانیان تولید می‌کنند و امریکا و شرکا مصرف می‌کنند.

ظاهر این شیفت، خیلی فریب‌دهنده است. ظاهراً به نظر می‌رسد که چون سطح و اندازه و حجم تولید کالاها در کشورهای دربند پیرامونی به‌خاطر این شیفت بی‌نهایت افزایش یافته است، پس سطح زنده‌گی مردم به‌ویژه کارگران در آن کشورها نیز بهتر گشته است. ولی واقعیت نشان می‌دهد که استثمار نیروی کار و زحمت در کشورهای جنوب گلوبال توسط انحصارات پنج‌گانۀ شمال گلوبال در ده سال گذشته بیشتر از گذشته‌ها شده است. به عبارت دیگر، شیفت تولید از شمال به جنوب و سپس صدور کالاهای تولیدی از جنوب به شمال، سود و انباشت انحصارات پنج‌گانه را به طور نجومی افزایش داده است. به طور مثال، در سال ۲۰۰۶ کمپانی اپل ۵۲ درصد سود خود را از تولید آی‌پاد در کشورهای چین، هندوستان، بنگلادش و... به‌دست آورد. علت اصلی این درصد سود کلان این فاکت بود که ۱۲۵۰۰ کارگر چینی که آی‌پاد را برای کمپانی اپل تولید کردند، مزدشان ۳ درصد مزد کارگران در امریکا در تولید آی‌پاد بود. این مقدار ارزش اضافی که کمپنی‌های انحصاراتی متعلق به امریکا و شرکا در کشورهای دربند پیرامونی جنوب اتخاذ و متصرف می‌شوند، بدون رانت امپریالیستی (براساس "قانون ارزش جهانی" که منبعث از "تبادل نابرابر" بین شمال و جنوب است)، نمی‌توانست میسر گردد.

علت فراز رانت امپریالیستی در جهان امروز را باید در خصلت و شکل و شمایل سرمایه‌داری واقعاً موجود در فاز فعلی گلوبالیزاسیون (شیوع بازار آزاد نیولیبرالی) جست‌وجو کرد. در این فاز که از عمرش نزدیک به سی سال (از آغاز دهۀ ۱۹۸۰ به این‌سو) می‌گذرد، ادغام سرمایه همراه با تمرکز آن در دست انحصارات عمومی‌تر، جهانی‌تر و به‌ویژه مالی‌تر گشته، بیش از هر دوره‌یی در تاریخ ۱۳۵سالۀ مرحلۀ سرمایه‌داری انحصاری مرهون بقا و تداوم پدیدۀ امپریالیسم در جهان کنونی است.

این امپریالیسم با شکل و شمایل جدید (امپریالیسم سه‌سرۀ امریکا، اتحادیۀ اروپا و جاپان) با جهانی‌گرایی (گلوبالیزاسیون) "دکترین مونرو" (تبدیل مناطق استراتژیکی و ژئوپلیتیکی جهان به حیاط‌های خلوت رأس نظام از یک‌سو و جهانی‌گرایی سازمان نظامی ناتو از سوی دیگر) امروز با توسل به جنگ‌های بی‌پایان مرئی و نامرئی و ماجراجویی‌های نظامی، تلاش می‌کند که با عبور (و برون‌رفت) نظام جهانی از بحران ساختاری، زنده‌گی یک درصدی‌های کشورهای مسلط مرکز در شمال و آقاها و آقازاده‌های متعلق به حاکمین کمپرادور کشورهای دربند پیرامونی و نیمه‌پیرامونی در جنوب جهان و شرق اروپا را تأمین و تضمین سازد. در واقع، امروز به برکت این امپریالیسم است که حرکت سرمایه در فاز فعلی‌اش (بازار آزاد نیولیبرالی) هر نوع مقاومت و مبارزه علیه تهاجم انحصارات پنج‌گانه در کشورهای دربند پیرامونی (افریقا، آسیا، امریکای لاتین و اقیانوسیه و حتا اروپای شرقی) را در هم کوبیده و درهای این کشورها را به روی هجوم کمپنی‌های فراملی متعلق به انحصارات پنج‌گانه و نتیجتاً استخراج و استحصال منابع طبیعی و انسانی این کشورها، باز نگه می‌دارد.

تحت این شرایط، ادامۀ نیاز برای حق قیام و انقلاب به‌روشنی امروز در التهابات و جنب‌وجوش های متنوع و گوناگون در اکناف جهان جنوب از انقلابات بولیواری در ونزوئلا گرفته تا بهاران عربی و افریقایی، منعکس است. علی‌رغم تفاوت‌های آشکار در ویژه‌گی‌ها و پیشینه‌های تاریخی این جنب‌وجوش‌ها، یک نکتۀ اساسی مشترک کلیۀ این جنبش‌ها را مثل حلقه‌های یک زنجیر به هم متصل می‌سازد و آن مبارزه برای نان، مسکن و آزادی است. توده های میلیونی در یونان، برازیل، ترکیه، بلغارستان و... دریافته‌اند که علی‌رغم تغییرات عظیم در شکل و شمایل نظام جهانی سرمایه، ادامۀ نیاز برای حق قیام و ضرورت استقرار جهانی بهتر نمی‌تواند بدون عبور از کلیت نظام جهانی سرمایه (سرمایه‌داری واقعاً موجود = امپریالیسم) میسر گردد.

سرمایه‌داری به‌ویژه در فازهای مختلف مرحلۀ انحصاری ـ امپریالیستی‌اش نخواسته و یا نتوانسته مولفه‌های جهانی بهتر را در جوامع انسانی طرح سازد، ولی عمل‌کردهای آن به‌ویژه در گسترۀ امپریالیستی‌اش شرایط را برای بروز نیروهای بالقوۀ عینی (کارگران و دیگر زحمت‌کشان و تهیدستان همراه با چالش‌گران ضد نظام) که خواهان استقرار آن‌چنان جهانی هستند را آماده ساخته است. امروز گسترش بی‌نظیر انتقال تولید کالاهای صنعتی بزرگ و کوچک از کشورهای امپریالیستی مرکز به کشورهای پیرامونی و نیمه‌پیرامونی و صدور و برگرداندن آن تولیدات به کشورهای مرکز برای فروش توسط انحصارات فراملی، پیوسته در حال افزایش است. این تغییر بزرگ (یعنی جهانی‌گرایی تولید از طریق انتقال) که در فاز فعلی امپریالیسم (امپریالیسم سه‌سره = ترویکا) در بیست و اندی سال گذشته از بعد از پایان جنگ سرد به این سو، پیوسته در کشورهای دربند پیرامونی و نیمه‌پیرامونی گسترده‌تر گشته، در تاریخ سرمایه‌داری انحصاری بی‌نظیر بوده است. واقعیت این است که این جهانی‌گرایی بدون اشتعال جنگ‌های امپریالیستی و پیامدهای فلاکت‌بار (مهاجرت‌های اجباری، ابراستثمار نیروهای کار و زحمت، عروج انواع و اقسام بنیادگرایی‌ها، تجارت جهانی سکس و...) آن نمی‌توانست برای رأس نظام سرمایه میسر گردد.

نتیجه این‌که:

۱ـ بررسی اوضاع رو به رشد به‌ویژه در مناطق مهم ژئوپولیتیکی و استراتژیکی بخش‌های پیرامونی و نیمه‌پیرامونی نظام جهانی (جنوب) نشان می‌دهد که مردمان کشورهای این مناطق زمانی می‌توانند به آرمان‌های به‌حق تاریخی خود (عدالت اجتماعی = جهانی دیگر) برسند که بعد از گسست از امپریالیسم، خود را از بلاها و تألمات نظام فرتوت و بی‌ربط جهان سرمایه‌داری (جنگ‌های خانمان‌سوز مرئی و نامرئی، اقسام بنیادگرایی‌های دینی ـ مذهبی و دموکراسی‌های دم‌بریده و توسعه‌های لومپنی منبعث از آن‌ها و...) رها سازند. در مسیر این رهایی است که بشریت زحمت‌کش این کشورها با ایجاد یک ستاد رهبری در سطح ملت ـ کشوری خود باید به تهیه و تنظیم یک برنامۀ جامع و مستقل از نظام ـ که در آن سیاست خارجی به‌ویژه تجارت خارجی، در خدمت ساختمان نظم تولیدی درون‌محور (خود مختار و متکی به خود) قرار گیرد ـ اقدام کنند. در این راستا برای رهبران و دولت‌مردان کشورهای تازه رها یافته، ضروری است که به موازات استقرار استراتژی تداوم گسست از نظام جهانی سرمایه (اصل استقلال)، شرکت وسیع توده‌های مردمی را در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی (اصل آزادی) از یک‌سو، و بهره‌مندی آن‌ها از رشد و توسعۀ اقتصادی کشور (عدالت اجتماعی) را از سوی دیگر، به دقت تعبیه و قاطعانه تأمین سازند.

۲ـ آن نیروها، گروه‌ها و افراد شاخص مصری، ایرانی، عراقی، لبنانی، هندی، پاکستانی و... که پروسۀ رهایی‌بخش گسست از نظام را یا آرمان‌گرایی و یا غیرممکن می‌دانند و در عوض از اعمال تحریم‌ها و حتا از "مداخلات بشر دوستانه"ی کشورهای امپریالیستی در کشورهای پیرامونی و نیمه‌پیرامونی استقبال و دفاع می‌کنند، خواه و ناخواه آن کشورها را دربست تسلیم مقررات و الزامات سرمایه‌داری جهانی انحصارات پنج‌گانۀ مالی‌تر، عمومی‌تر و نظامی‌تر شده، می‌سازند. نتایج این مواضع در عمل چیزی به غیر از ادامۀ دموکراسی‌های ناقص سیاسی و توسعه‌های لومپنی اقتصادی ـ اجتماعی سرمایه‌داری در این کشورها نخواهد بود.

۳ـ پیامدهای توسعه‌های معیوب و لومپنی همراه با دموکراسی‌های صادراتی ـ فرمایشی (و دم‌بریده) در کشورهای پیرامونی در جنوب کارگران، دهقانان و دیگر تهی‌دستان را به ستوه آورده‌اند. رکود اقتصادی و گسترش اوضاع معیشتی فلاکت‌بار (تعمیق چشم‌گیر نابرابری‌های توزیعی، افزایش مدام تورم، بی‌کاری مزمن، افزایش کودکان خیابانی و دختران فراری، بسط زاغه‌نشینی و اعتیاد به مواد مخدر و...) رژیم‌های کمپرادور در این کشورها را به کلی در مقابل عکس‌العمل‌های توده‌های عظیم به ستوه آمده، عاجز ساخته‌اند. حاکمین برای عبور از این بحران مثل گذشته‌ها به آخرین حربۀ خود سرکوب توسل جسته و برای بقای لومپنی خود، بیش از پیش به نهادهای مالی و نظامی امپریالیسم سه‌سره نظام پناه برده و لاجرم وابسته‌تر به آن‌ها گشته‌اند. از سوی دیگر در سطح جهانی پیامدهای بحران ساختاری خود نظام منجر به فراز امواج بیداری‌ها و جنب‌وجوش‌های سیاسی برای رهایی در بین توده‌های میلیونی کارگران و تهی‌دستان علیه کلیت نظام فرتوت و بی‌ربط سرمایه‌داری جهانی شده‌اند. شایان ذکر است که این امواج رهایی از یونان، پرتگال، هسپانیا، امریکا، کانادا و... گرفته تا ترکیه، برازیل، هندوستان و... بیش از هر زمانی در چهل سال گذشته (از آغاز دهۀ ۱۹۷۰ به این سو) گسترده‌تر، توده‌یی‌تر و جهانی‌تر و از همه مهم‌تر، تابوشکن‌تر (رد و طرد نظام سرمایه‌داری واقعاً موجود) گشته‌اند.

۴ـ در پرتو این اوضاع، کانون‌های متعلق به چپ‌های مارکسیست و دیگر نیروهای برابری‌طلب و طرف‌داران حاکمیت ملی در کشورهای پیرامونی دربند باید به این امر مثبت و سالم (و امیدوارکننده) توجه و تأکید ورزند که به شکرانۀ استقامت و پایداری‌شان در برابر تعرضات و تبلیغات مسموم امپریالیسم سه‌سرۀ جهانی و سرکوب‌های رژیم‌های کمپرادوری لومپن (چه سکولار و چه بنیادگراهای اسلامی) امروز امواج فراگیر رهایی و جنب‌وجوش کارگری، دهقانی، دانشجویی ، زنان و... به آن‌ها نوبت ابراز وجود و امکانات ایجاد اتحادها و تشکل‌های پیشرو و مورد اعتماد را فراهم ساخته است. در نتیجه به نظر نگارنده، کانون‌ها و تشکلات چپ و دیگر نیروهای دموکراتیک و ملی که به آرمان‌های تاریخی مردم ـ استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی ـ در کشورهای دربند پیرامونی وفادار مانده و علیه نظام جهانی سرمایه (امپریالیسم) از یک‌سو و حاکمیت دولت‌های کمپرادور لومپنی در آن کشورها از سوی دیگر موضع اتخاذ کرده‌اند، بیش از هر زمانی در چهل‌سال گذشته می‌توانند بهتر و با آسوده‌گی خاطر منافع سیاسی و خواسته‌های معیشتی و اجتماعی کارگران، دهقانان و دیگر تهی‌دستان این کشورها را به منافع تنگ تشکیلاتی، دغدغه‌های گذشتۀ گروهی و عادات نکوهیدۀ سکتاریستی خود ارجحیت داده و خود را بعد از یک "خانه‌تکانی" موثر و جدی برای گسست از یوغ نظام امپریالیستی جهانی و برپایی یک بدیل سرتاسری با رهبری مورد اطمینان مردمی و جمعی آماده سازند.

روند تکوینیِ شعر قیصر امین‌پور

ارمغان بهداروند

بخش نخست

شعر، عمیق‌ترین شکل ارتباطی را در قالب کلمه ممکن می‌سازد و اگر آن را یکی از قدیمی‌ترین شکل هنری موجود بدانیم، درخواهیم یافت که این شکل، ناگزیر در طول قدمتِ خود و بنا به تغییر ارزشها و هنجارهای ادوار مختلف، تغییراتی را از سر گذرانده که ضمن حفظ اصالت خود، زمینه‌های احیاء و تسری ظرفیت‌های تازهٔ دیگری را فراهم آورده است. بدیهی است خطرناک‌ترین آسیبی که میتواند شعر را از کارکرد ارتباطی خود خارج نماید، بی توجهی به تحول و بی نیاز دانستن ساحت شعر از دگردیسی و تغییر است.

در حقیقت می‌توان چنین گفت که هر نوع تحول و نوگرایی، ریشه در سنت دارد و شاعرانی توانسته‌اند بیشتر از دیگران توفیق پیدا کنند که تلفیقی مناسب‌تر از این دو که منتج به آفرینشی متعالی‌تر می‌شود، ارایه دهند.

قیصر همچنان که در بخش های پیشین اشاره شد، به عنوان شاعری مولود نظام کلاسیک، آفرینش های شعری خود را با عبور آگاهانه از دسترنج شاعران پیش از خود و با مطالعهٔ تئوری نیما و بهرهمندی از ظرفیت شعر شاعرانی که درک درستی از پیشنهاد نیما پیدا نموده بودند، طراحی کرده بود. این سیر تحول در کار شاعری قیصر هرچند در آغاز با توسعهٔ کیفی و کمی اندکی مواجه بود، اما در ادامه موفق به معرفی چهرهیی جدید از شعر امروز میشود که در نوع خود هم وامدار ادبیات پیش از انقلاب است و هم تأثیرگذاری انقلاب را در آن میتوان به روشنی دید. در این زمینه میتوان به نظر «محمود سنجری» اشاره کرد که: «حیات هر سنتی بسته به بازآفرینی آن است و شاعران بزرگ کلاسیک با بازشناخت و بازآفرینی سنن شعری به تداوم و پویایی آن سنت دست یازیدهاند. شعر کلاسیک فارسی و سنن آن پیوستگی بسیار با سنن فرهنگی اجتماعی جامعهٔ فارسی‌زبان در طی سدهها و سالها داشته است و اگر بپذیریم که این سنن فرهنگی اجتماعی در طی سدهٔ اخیر دستخوش تغییرات و تحولات شگرفی شده است، ناگزیر از پذیرش آنیم که سنن شعری کلاسیک را نیز به عنوان تابع سنن فرهنگی اجتماعی، تحول‌یافته و دگرگون بیابیم. در این‌جا نکته یی میماند و آن صداقت هنرمند است که ضامن حیات چنین سنتی در عصر فعلی صداقت شاعر است، در غیر این صورت جز چهره یی رنگ‌باخته و نقاب‌گون از سنن شعری کلاسیک چیزی باقی نمیماند. قیصر امینپور از نادر کسانی است که در عصر فعلی در تداوم سنت شاعران کلاسیک صداقت داشته است و این صداقت آثار غیرکلاسیک او را نیز شامل میشود.»(سنجری، ۱۳۸٤، ص۱۵)

روند تکوینی شعر قیصر را میتوان به جهت تبیین بهتر موضوع و تعیین جدی شاخصه های این سیر تحولی به بخش هایی تقسیم نمود که از آن جمله میتوان به قالب، مضمون و زبان اشاره داشت و روند رو به تکوین این موضوعات منتخب را در شعر او جست‌وجو کرد.

قالب

قالب (فرم) نمود بیرونی شعر است و اگرچه از میزان تعیینکنندهگی کمتری نسبت به دیگر مختصات شعر برخوردار می‌باشد اما از شاخصه های تأثیرگذاری برخوردار است که میتواند در رسایی روند تحول و تکامل شعر قابل تأمل باشد.

با پیروزی انقلاب اسلامی و در همان سالهای نخست، نوعی حساسیت و سرسختی نسبت به پذیرش جلوههای نوگرایی شعر ایجاد شده بود که این امر به خودی خود مانع از ادامهٔ روند منطقی و نوگرایی شعر پیش از انقلاب میشد. شاعران انقلابی با رجوع به پدیدههای سنتی شعر فارسی در حقیقت، واکنش خود را که ناشی از حساسیت نسبت به سنت بود ابراز نمودند. به کارگیری گسترده و رواج دوبارهٔ شکلهایی از شعر فارسی همچون دوبیتی و رباعی و تثبیت پارهیی دیگر از قالب ها همچون غزل از مشخصه های این رجعت محسوب میشوند. هر چند میتوان میزان متفاوت استقبال مخاطبان عام و خاص شعر این دوره را ناشی از افراط و تفریطهای شاعران دانست، اما باید پذیرفت که هرگونه تغییر و پذیرش آن علاوه بر ضرورت گذشت زمانی، نیازمند استقبال مخاطبان نیز میباشد که این وضعیت در شعر پس از انقلاب با آشفتگی و سردرگمی شاعران روبه‌رو گردید.

هرچند نمیتوان فرمی واحد را برای شعرهای دورههای آغازین قیصر در نظر گرفت اما اگر مجموعه های منتشرهٔ او را مبنای کار خود قرار دهیم، باید به شعرهای دفتر «در کوچهٔ آفتاب» ارجاع دهیم که منحصراً به دو فرم کوتاه رباعی و دوبیتی سروده شده است. با نگاهی به مختصات ذاتی این دو فرم شعر فارسی که مولفه های کوتاهی شکل و ایجاز معنا از مهمترین جلوههای آن است، میتوان علل رویکرد قیصر را درک کرد.

قیصر نیز با برخورداری از حضور بلاواسطهٔ خود در انقلاب و سپس جنگ و درک شرایط زمانی، بیشتر آفرینشهای این دورهٔ خود را در این قالب سرود که این روند با توجه به نگاه نو و نیز چرخشهای زبانی او که متضمن مفاهیمی از قبیل حماسهسرایی، سوگسرایی، ستایش مفاهیم ارزشی انقلاب همچون شهید، نبرد، چهرههای انقلابی و دیگر جنبههای اجتماعی بود باعث فراگیر شدن این دو شکل شعر فارسی و در حقیقت احیای آن شد. باید گفت به طور کل نمودار به کارگیری قالب رباعی و دوبیتی تا اواسط دههٔ شصت سیری صعودی را نشان میدهد .

رباعی:

زین تیر که از صخره و آهن گذرد
وز رشتهٔ موی و چشم سوزن گذرد
چندان به تن دشمن خود زخم زنیم
تا آن که نسیم از تن دشمن گذرد (در کوچهٔ آفتاب/ص٦٣)

دوبیتی:

شهیدان را به نوری ناب شوییم
درون چشمهٔ مهتاب شوییم
شهیدان همچو آب چشمه پاکند
شگفتا، آب را با آب شوییم؟ (همان/ص ۹۹)

در نهاد شاعری امینپور نوعی گرایش به کوتاهسرایی احساس میشود که در دو مجموعهٔ «گل‌ها همه آفتابگردانند» و «آینه‌های ناگهان» و حتا «دستور زبان عشق» هم شواهد فراوان دارد و اساساً منحصر به رباعی و دوبیتی نیست بلکه نمونه های درخشانی در قالب نیمایی هم سروده است. گرایش به کوتاهسرایی، البته در کار شاعران استادی چون شاملو و شفیعی کدکنی هم پیش از قیصر دیده میشود. اکنون نمونههایی از رباعی ها و دوبیتی های تحولگرایانهٔ امینپور نقل میشود:

مبادا آسمان بی بال و بی پر
مبادا در زمین دیوار بی در
مبادا هیچ سقفی بی پرستو
مبادا هیچ بامی بی کبوتر(آینه های ناگهان/ص ١٦٢)

و:

ماییم و ز درد و داغ گفتن با تو
داغیم ز گفتن و شنفتن با تو
تنها به اشارهٔ تو سبز است بهار
باغیم و اجازهٔ شکفتن با تو (همان/ص ١٥٨)

یا:

هر دم دردی از پی دردی ای سال!
با این تن ناتوان چه کردی ای سال؟
رفتی و گذشتن تو یک عمر گذشت
صد سال سیاه برنگردی ای سال! (گل‌ها همه آفتابگردانند/ص۱۲۹)

سیر رو به تعالی مفاهیم و درون‌مایه های شاعرانهٔ رباعی ها و دوبیتی های قیصر را در دو دفتر پایانی شعر او بهتر میتوان دید:

با هم‌همهٔ مبهم باغی در باد
با طرح مهآلود کلاغی در باد
از دور صدای پای پاییز آمد
چون پچ پچ خاموش چراغی در باد(همان/ص۸۵)

و یا:

دیشب باران قرار با پنجره داشت
روبوسی آبدار با پنجره داشت
یکریز به گوش پنجره پچ پچ کرد
چکچک، چکچک... چکار با پنجره داشت؟(دستور زبان عشق/ص۹۰)

و در این دوبیتی:

خدایا یک نفس آواز! آواز!
دلم را زنده کن! اعجاز! اعجاز!
بیا بال و پر ما را بیاموز
به قدر یک قفس پرواز! پرواز!(همان/ص ۹۱)

از دیگرسو قیصر به عنوان غزلسرایی نوگرا که در توسعهٔ ظرفیت های شعر نیمایی در غزل تلاش داشته است، در مجموعه های خود بسامد بالایی از آفرینش غزل را به نمایش گذاشته است. غزل به عنوان فرمی که علی‌رغم همهی گذشتهٔ درخشان خود در ادبیات پیش از انقلاب در سال های ظهور انقلاب و پس از آن دچار نوعی رکود و بی‌اقبالی گردیده بود، با رویکرد دوبارهٔ شاعران، به عنوان یکی از جدیترین فرمهای شعر انقلاب معرفی گردید.

با بررسی دفاتر شعر قیصر امینپور و کشف آمار بسامدی فرم های شعرِ او میتوان به فراگیری شکل غزل در آفرینَش های او پی برد. قیصر، غزل را هوشمندانه و با مطالعهٔ پیشینهٔ معاصر آن تجربه مینمود. غزل پس از انقلاب اسلامی با پیش چشم داشتن تجربه های غزلسرایان دههٔ چهل و پنجاه و با پذیرش و حفظ تازهگی و نوآوریهای پیشنهادی آنان، در اندیشه و محتوا دگرگون شد و این مهم ترین وجه تمایز غزل پس از انقلاب با پیش از آن است. غزل امینپور نیز حامل اندیشه و پیام تازهیی است و شکل بیرونی آن نیز برخوردار از تفاوتهایی است از جمله: رعایت ارتباط بیتها در محور عمودی، استفاده از آهنگ زبان گفتار و برخورداری از مفاهیم و واژگان این حوزه.

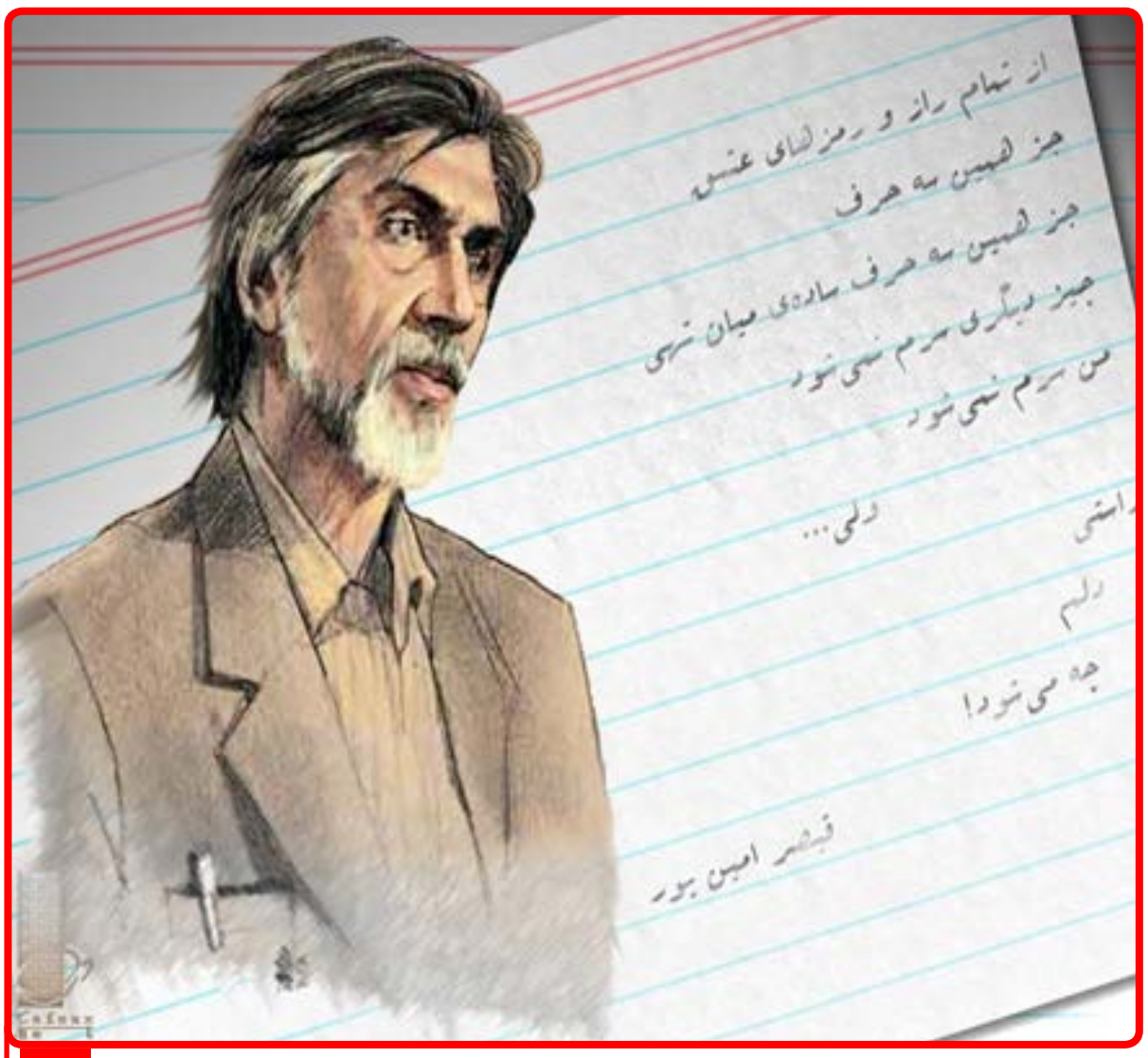

غزل پس از انقلاب اسلامی با پیش چشم داشتن تجربه‌های غزلسرایان دههٔ چهل و پنجاه و با پذیرش و حفظ تازه‌گی و نوآوری‌های پیش‌نهادی آنان، در اندیشه و محتوا دگرگون شد و این مهم‌ترین وجه تمایز غزل پس از انقلاب با پیش از آن است. غزل امینپور نیز حامل اندیشه و پیام تازهیی است و شکل بیرونی آن نیز برخوردار از تفاوت‌هایی است از جمله: رعایت ارتباط بیت‌ها در محور عمودی، استفاده از آهنگ زبان گفتار و برخورداری از مفاهیم و واژگان این حوزه

یک گام تا امضای توافق‌نامۀ صلحِ مسلحانه

علی موسوی

رسانه‌های غربی گزارش داده‌اند که طالبان طرح آتش‌بس موقت را به زلمی خلیل‌زاد سپرده اند.
مقام‌های طالبان که از آن‌ها نام گرفته نشده گفته اند که این طرح، شامل آتش‌بس ۷ تا ۱۰ روزه می‌باشد.
این در حالی است که وزیر خارجۀ پاکستان پیشتر گفته بود که گروه طالبان به پیشنهاد امریکا مبنی بر کاهش خشونت‌ها در افغانستان اعلام آمادگی کرده است.
او افزوده است: «طالبان به درخواست کاهش خشونت‌ها اظهار آمادگی کرده اند. من می‌دانم که با این اقدام به سوی توافق صلح پیشرفتی صورت گرفته است».
این در حالی است که سهیل شاهین سخنگوی دفتر سیاسی گروه طالبان در قطر می‌گوید که نمایندگان امریکا و طالبان در مورد امضای توافقنامه صلح و مراسم آن گفت‌وگو کرده‌اند.
با توجه به این تحولات، کارشناسان پیش بینی می کنند که طی روزهای آینده، گام نهایی برای امضای معاهده صلح میان امریکا و طالبان برداشته خواهد شد؛ گامی که ظاهراً هنوز مطلوب کابل نیست.
کابل دلایل متعددی برای مخالفت با توافق‌نامه‌یی دارد که شاید به زودی امضا شود. یکی از دغدغه‌های هم حکومت این است که این توافق‌نامه احتمالاً هرگز به معنای پایان جنگ نخواهد بود؛ بلکه حتی اگر تعهدی برای آتش بس نیز وجود نداشته باشد، میان طالبان و امریکا خواهد بود و مردم و نیروهای امنیتی افغانستان همچنان باید آماده حملات خونین، بمب‌گذاری‌های مرگبار و کشتارهای بی رحمانه طالبان باشند. بر این اساس، صلحی که قرار است منعقد شود، یک صلح امریکایی- پاکستانی خواهد بود که نه تنها با منافع و اولویت های امنیت ملی افغانستان، همسویی نخواهد داشت؛ بلکه چه بسا برعکس و در برابر آن خواهد بود.
از سوی دیگر، هنوز مشخص نیست که امریکا و طالبان از میان آتش بس و کاهش خشونت، بر کدامیک از موارد، توافق می کنند. در صورتی که امریکایی ها نیز تحت فشار پاکستان بر تعهد طالبان درباره کاهش خشونت، موافق باشند، این امر، یک شکست سیاسی سنگین برای کابل خواهد بود؛ طرفی که هنوز نه تنها نتوانسته که در روند تصمیم گیری های راهبردی درباره چشم انداز صلح، سهم و نقشی مستقیم، مالکانه و محوری ایفا کند؛ بلکه حتا هیچ اعتنایی به پیش شرط ها و خواسته های اصلی آن نیز نشده است؛ نه از طرف طالبان و نه از سوی امریکا.
از نظر طالبان و امریکا امضای توافقنامه صلح یک گام بزرگ و مهم خواهد بود که می تواند سرآغاز اقدامات عملی برای تغییر یک مسیر ۲۰ ساله باشد؛ اما برای دولت و طرف های سیاسی و طیف های قومی افغانستان، این رویداد، به معنای قرار گرفتن در برابر یک عمل انجام شده خواهد بود و ادامه بازی، بحث روی تمهیدات تاکتیکی اجرای توافقات اصلی میان امریکا و طالبان خواهد بود نه فراتر از آن.
حتا گفته می‌شود که برخی جریان‌های سیاسی، رهبران و گروه‌های قومی، مستقل از حکومت به طور مستقیم و پنهانی با طالبان، مذاکره کرده و به توافق‌هایی دست یافته اند.
از این منظر، حتا اگر بعد از امضای توافق‌نامۀ صلح، گروه طالبان حاضر به آغاز گفت‌وگوهای مستقیم بین‌الافغانی شود، پیش‌بینی می‌شود این حضور، فاقد اثر و ثمری جدی روی فرایند صلح خواهد بود؛ زیرا به احتمال قوی، توافقات اصولی و مبنایی، پیش از این، در غیاب دولت و مردم و نماینده‌گان احزاب و تشکل های سیاسی و قومی کشور، میان طالبان و امریکا با دخالت و حضور موثر پاکستانی ها و اعراب، صورت گرفته است.
نکتۀ مهم اما این است که همه طرف‌ها تلاش دارند تا طالبان را متعهد به آتش‌بس موقت چندروزه کنند؛ آتش‌بسی که نه تضمینی قوی برای پایداری صلح خواهد بود و نه می‌تواند برای مردم افغانستان، پیام‌آور ثبات و آرامش خواهد بود. بنابراین طالبان و امریکا در آستانۀ یک مصالحه مسلحانه قرار دارند؛ مصالحه‌یی که بربنیاد آن، طالبان همچنان مسلح و مقتدر باقی می‌مانند و در برابر، این سایر نهادها و نیروها و ارکان نظام سیاسی و قدرت نظامی افغانستان هستند که باید در دل این تحول جدید، حل و هضم شوند.

عملیات نظامی ترکیه در سوریه؛ کمک مالی اتحادیۀ اروپا به آنکارا ۷۵٪ کاهش یافت

اتحادیه اروپا کمک‌های مالی خود به ترکیه را به دلیل عملیات نظامی این کشور در خاک سوریه و آنچه که آن را اقدامات غیرقانونی در شرق مدیترانه می‌خواند تا ۷۵ درصد کاهش می‌دهد.
این موضوع که در نامه سران اتحادیه اروپا به آن اشاره شده به تازگی در نشریات کشور آلمان منعکس و رسانه‌یی شده است. در این نامه که در اختیار پارلمان اروپا قرار گرفته جوزپ بورل، مسوول سیاست خارجی اتحادیه اروپا از تصمیم برای کاهش هفتاد و پنج درصدی کمک‌های مالی به ترکیه خبر داده است.
اتحادیه اروپا دلیل این تصمیم را حفاری‌های غیرمجاز ترکیه در میدان‌های گازی سواحل قبرس واقع در شرق مدیترانه و نیز انجام عملیات نظامی در سوریه عنوان کرده است.
بدین ترتیب کمک‌های مالی در نظر گرفته شده برای فراهم شدن زمینه پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا در سال جاری میلادی به ۱۶۸ میلیون یورو کاهش پیدا خواهد کرد که از این میان تنها ۱۵۰ میلیون یورو به تقویت دمکراسی و حاکمیت قانون در این کشور اختصاص داده خواهد شد و مابقی صرف توسعه مناطق روستایی می شود.
جوزپ بورل در نامه‌یی به پارلمان اروپا عملیات نظامی در شمال شرق سوریه و حفاری‌های غیرمجاز گازی در سواحل قبرس را دلیل اصلی تصمیم اتحادیه اروپا برای کاهش کمک‌های مالی به ترکیه عنوان کرده است.
اروپا پیش‌تر با وعده اعطای کمک مالی چند میلیارد یورویی به ترکیه ضمن تلاش برای تقویت نهادهای دمکراتیک و اصلاح ساختار اقتصادی این کشور به عنوان شرطی اساسی برای پیوستن به اتحادیه اروپا قصد داشت تا از هجوم موج مهاجران و پناهجویان به این قاره از مسیر ترکیه جلوگیری کند.
بروکسل همچنین در سال ۲۰۱۶ پذیرفته بود که مذاکرات برای پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا را تسریع ببخشد، اما فرایند الحاق ترکیه پس از رشد اقتدارگرایی در این کشور بدست رجب طیب اردوغان به بن بست کشیده شد.
با این حال، گفته می‌شود که کاهش هفتاد و پنج درصدی کمک مالی اتحادیه اروپا برای فراهم شدن زیرساخت‌های لازم در ترکیه جهت پیوستن این کشور به اتحادیه بر ۳ میلیارد و پنجصد میلیون یورو در نظر گرفته شده برای تلاش آنکارا جهت ممانعت از دسترسی پناهجویان به سواحل کشورهای اروپایی تاثیر نخواهد گذاشت.
اتحادیه اروپا همچنین پیش‌تر به ترکیه در خصوص حفاری‌های غیرمجاز در سواحل قبرس هشدار داده و تهدید کرده بود که اگر آنکارا به این اقدام خود ادامه دهد تحت تحریم قرار خواهد گرفت.
ترکیه با بی معنی خواندن این تهدیدها اعلام کرده است که برغم هشدار بروکسل به فعالیت‌های حفاری خود در منطقه یاد شده ادامه می‌دهد.

افغانستان و اولویت اصلی امریکا

نویسنده: ازهر عازم
منبع: پاکستان‌تریبون
ترجمۀ: سیدطاهر مجاب

در دسمبر سال ۲۰۱٤، باراک اوباما رییس جمهور سابق ایالات متحده ختم ماموریت جنگی ۱۳ ساله امریکا یا جنگ در افغانستان را اعلام کرد و ادعا نمود که طولانی‌ترین جنگ تاریخ امریکا به «نتیجه مسئولانه و معتبر» رسیده است.
نخستین رییس جمهور افریقایی-امریکایی بلافاصله راه‌اندازی عملیات دیدبان آزادی را به عنوان بخشی از ماموریت حمایت قاطع به رهبری ناتو برای آموزش، مشاوره‌دهی و کمک به نهادها و نیروهای امنیتی افغانستان اعلان کرد و عملیات‌های ضدتروریزم را علیه باقی‌مانده جنگجویان القاعده انجام داد.
پس از استراتژی سال ۲۰۱۷ ترامپ برای افغانستان مبنی بر آغاز عملیات نظامی خصومت‌آمیز علیه طالبان و سرزنش پاکستان برای حمایت از این گروه، مایک پمپئو وزیر امور خارجه امریکا زلمی خلیلزاد را در سپتمبر ۲۰۱۸ به عنوان نماینده ویژه در امور صلح افغانستان منصوب کرد تا از مذاکرات صلح با طالبان در قطر نظارت کند و با افغانستان، پاکستان و دیگر کشورهای منطقه مشوره کند.
خلیل‌زاد به طور مداوم به اسلام‌آباد و کابل سفر کرد تا از نفوذ خود برای آوردن طالبان بر سر میز مذاکره جهت حل و فصل سیاسی این معضل استفاده کند. در ماه سپتمبر، پمپئو و جنرال جوزف دانفورد رییس ستاد ارتش امریکا به اسلام‌آباد سفر کرد تا روابط نظامی و دیپلماتیک را بین امریکا و پاکستان بهبود بخشد.
هجوم تعداد زیاد مقامات سیاسی و نظامی امریکا به پاکستان و متعاقباً نامه ترامپ به عمران خان نخست‌وزیر پاکستان – که به دنبال کمک اسلام‌آباد برای تسهیل حل و فصل سیاسی در افغانستان بود – بر نقش محوری پاکستان در تسهیل گفت‌وگوهای صلح بین امریکا و طالبان تأکید دارد تا در نهایت به خروج قدرت‌مندترین نظامیان جهان از کابل منجر شود.
اسلام‌آباد با درک این که صلح و ثبات در سرزمین ویران‌شده مسئولیت مشترک است، با جدیت پاسخ داد و بعد از آن نقش محوری خود را در متقاعد کردن طالبان برای آغاز گفت‌وگوهای صلح با واشنگتن که طی چند ماه آینده در دوحه شروع شد، ایفا کرد.
ایالات متحده از نقش پاکستان در تسهیل مذاکرات طالبان و امریکا بسیار ستایش کرد. پنتاگون در گزارش سال ۲۰۱۹ خود به کانگرس، به نقش فعال پاکستان برای حمایت از صلح افغانستان و کمک‌های این کشور در آوردن طالبان به میز مذاکره، اعتراف نمود. این گزارش همچنان تأیید کرد که نیروهای امنیتی پاکستان در حال جنگ و انجام عملیات‌های ضدتروریستی علیه سازمان‌های تروریستی مانند داعش است.
متأسفانه، تلاش‌های پاکستان پس از رشته توییت‌های ترامپ در ۸ سپتمبر که از گفت‌وگوهای صلح سخت انتقاد کرد، تضعیف شد. در حالی که رییس جمهور ایالات متحده این گروه مسلح را به ایجاد «اهرم فشار غلط» از طریق ادامه حملات شان متهم کرد – در حقیقت، نیروهای امریکایی همان مانورهای عجولانه را برای تقویت موضع چانه‌زنی واشنگتن در نظر گرفته بودند.
در خلال مذاکرات گسترده صلح، ایالات متحده بین ماه‌های جولای و اگست ٦١٣ بمب و ۷۵۳ نوع سلاح را در افغانستان استفاده کرد. اظهارات جنرال میلر فرمانده امریکایی در افغانستان مبنی بر اینکه امریکا فشارهای نظامی را بر طالبان بیشتر کرده تا «فشار سیاسی را شکل دهد» و آن‌ها را به میز مذاکره آورد، اعتراف کاملی بود که ایالات متحده به خاطر منافع استراتژیک خود به غیرنظامیان افغانستان ظلم می‌کند.
بار دیگر، غیرنظامیان افغانستان از هر دو طرف مورد حمله قرار گرفتند و تلفات آن‌ها نسبت به سال گذشته در ربع سوم سال ۲۰۱۹ میلادی ٤۲ درصد افزایش یافت و به ۲۳۹۸ تن رسید. نیروهای طرف‌دار و ضددولتی نیز تقریباً به همان اندازه در بلندرفتن شدید تلفات غیرنظامیان افغانستان نقش داشتند.
در نتیجه، کاملاً واضح است که افغانستان دیگر در دستور کار اولویت‌های سیاست خارجی ایالات متحده قرار ندارد. در حقیقت، امریکا در سال ۲۰۱٤ تصمیم گرفت تا این کشور جنگ‌زده را ترک کند هنگامی که عملیات آزادی بلندمدت را پایان داد و عملیات دیدبان آزادی یا ماموریت حمایت قاطع را آغاز کرد. پاسخ تند عضو سابق امنیت ملی به اداره بازرس امریکا برای بازسازی افغانستان (سیگار) این بود که «وظیفه شما برنده شدن نبود، بلکه جلوگیری از باختن بود»، خود دیدگاه روشنی از استراتژی خروج پشت‌پرده ایالات متحده از افغانستان داد.

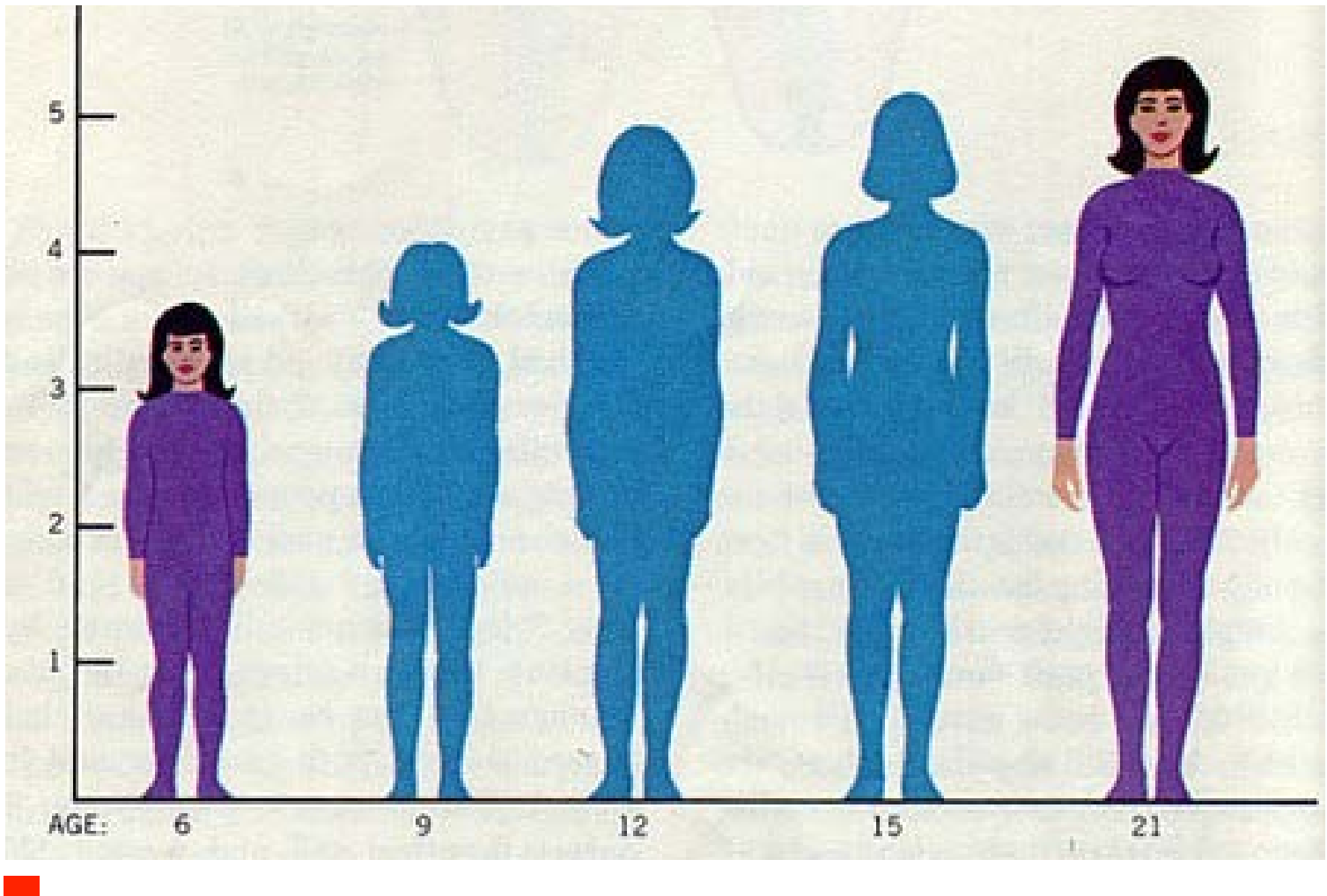

بررسی بلوغ با رویکرد فقه القرآنی در منابع شیعه و سنی و قانون

دکتور هجرت‌الله جبرئیلی

بخش نخست

مقدمه

یکی از قواعد زندگی مسلمانان این است که «القرآن یجمعنا»؛ قرآن ما را وحدت می‌بخشد و گرد هم می‌آورد. در درازنای تاریخ فهم‌های متفاوت از قرآن‌کریم باعث پیدایش مذاهب اسلامی و باعث شده که کتله‌های بزرگی از مسلمانان با در پیچیدن در لاک فهم‌های‌شان از قرآن‌کریم، از هم‌دیگر دور بمانند و چه‌بسا در برابر هم‌دیگر قرار گیرند. یکی از راه‌های نزدیکی مسلمانان بازخوانی فهم و آرای قرآنی آنان می‌باشد.

در این میان بلوغ یکی از مراحل اساسی زندگی نوع انسان (نر و ماده) می‌باشد. با بلوغ است که از نظر بیولوژیکی تغییرات نمادین در بدن انسان رخ می‌دهد. از نظر عقلی نوع نگاه او به زندگی و آینده و خدا و جهان تغییر می‌کند. قرآن که کلام الهی است، به این وجه از زندگی بشر توجه لازم داشته و معرفت‌های بسیار ضروری را در اختیار انسان قرار می‌دهد تا سبک زندگی بالغ خود را در رابطه با خود، خدا، انسان و جهان تنظیم و مدیریت کند .

با بلوغ است که تکالیف مسلمانی آغاز می‌گردد، بازخوانی فهم و آرای مذاهب اسلامی در مورد بلوغ پرسش اصلی و محوری این مقاله را تشکیل می‌دهد؟ فرضیۀ تحقیق این است که فهم مذاهب اسلامی در مورد بلوغ بیولوژیکی زن و مرد (احتلام و حیض و آبستن شدن) یکی بوده، و در موارد دیگر بلوغ مانند بلوغ سنی بنابر مبانی حدیثی و اجتهادی باهم اختلاف دارند.

در مورد بلوغ در قرآن مقالاتی به چاپ رسیده است، اما با رویکرد فقه القرآنی و تفسیر تطبیقی نویسنده با پژوهش چنین مقاله‌یی را نیافت.

روش پژوهش در این مقاله، کتابخانه‌یی، توصیفی تحلیلی بوده و با رویکرد فقه القرآنی و تفسیر تطبیقی در منابع شیعه و سنی و با اولویت دادن به منابع احکام القرآنی و ثانویت دادن به کتب فقهی مذاهب انجام می‌پذیرد و در آخر اشاره‌یی به موضوعی بلوغ در قانون جمهوری اسلامی افغانستان و ایران خواهد شد.

۱) مفهوم‌شناسی واژۀ بلوغ

در این بخش بلوغ در لغت، اصطلاح و واژه‌های هم پیوند با بلوغ و کاربست واژۀ بلوغ در قرآن مورد بحث قرار می‌گیرد.

۱/۱) بلوغ در لغت

«بلوغ» ساخته شده از «ب . ل. غ»، از باب «بَلَغَ/ بَلَغَ بـ يَبْلُغ، بُلوغًا وبَلاغًا، فهو بالِغ، والمفعول مبلوغ (للمتعدّي)» (عبدالحميد عمر، المعجم اللغة العربية المعاصرة، ١٤٢٩: ١ /٢٤١)، ریشۀ واحدی است که معنای اصلی آن «الْوُصُولُ إِلَى الشَّيْءِ؛ رسیدن به چیزی» می‌باشد (الرازی، مَقاييس اللغة، ١٣٩٩: ١/ ٣٠٢ – ٣٠٣). راغب به این معنا تأکید و آن را به معنای «نزدیک شدن» نیز گسترش می‌دهد، می‌نویسد: «البُلُوغ والبَلاغ: الانتهاء إلى أقصى المقصد والمنتهى، مكانا كان أو زمانا، أو أمرا من الأمور المقدّرة، وربما يعبّر به عن المشارفة عليه وإن لم ينته إليه؛ به پایان مقصد رسیدن، برابر است مکانی باشد یا زمانی یا امری از امور مقدر زندگی. گاهی به نزدیک شدن به چیزی، اگر چه به آن نرسیده باشد، نیز تعبیر می‌شود» (الإصفهانی، المفردات، ١٤١٢: ١٤٤).

عرب‌ها از این واژه در زمینه‌های گسترده زندگی روزمره بهره می‌برند. نمونۀ مکانی آن: «بَلَغْتَ المكان بُلوغاً: وصلت إليه، وكذلك إذا شارفتَ عليه؛ به آن جای رسید، و به آن نزدیک شدی». از این معنای رسیدن و نزدیک شدن، در قرآن‌کریم نیز کاربرد دارد: فإذا بلَغْنَ أَجَلَهُنَّ (البقرة: ٢٣٤): أی قارَبْنَهُ؛ و هنگامی که به آخر مدتشان رسیدند؛ یعنی به آن نزدیک شدند (الجوهری، الصحاح،١٤٠٧: ٤ / ١٣١٥ – ١٣١٧).

در میان عرب‌ها، یکی از گستره‌های کاربردی واژه، گسترۀ حیات سنی و جنسی انسان می‌باشد. نمونه‌ها: «بَلَغَ الصَّبِيُّ بُلُوغًا: احْتَلَمَ وَأَدْرَكَ؛ کودک بالغ شد؛ یعنی به احتلام رسید و دریافت». اصل آن: «وَالأَصْلُ بَلَغَ الْحُلُمَ؛ رسیدن به احتلام است» (الفيومي، مصباح المنير، بيتا، ١/ ٦١). «بلغ: رجُلٌ بَلْغٌ: بَليغٌ؛ مرد پخته و رسیده» (الفراهيدي، العين، بيتا، ٤٢١/٤). از این معنا یعنی رسیدن به یک عمر خاص، در قرآن‌کریم وارد است: وَقَدْ بَلَغَنِيَ الْكِبَرُ (آل‌عمران: ٤٠)؛ (زکریا گفت:) و در حالی که پیری به من رسیده و نزدیک شده است.

در گسترۀ سنی و جنسی، در فرهنگ‌های جدید عربی معنا روشن‌تر بیان شده است. به عنوان نمونه: «بلَغ الغلامُ/ بلَغ الغلامُ أشُدَّه: أدرک سنَّ الرُّشد والتَّكليف، قوی ونضج عقلُه؛ جوان به سن رشد رسید، یعنی به سن رشد و تکلیف رسید، قوی شد و عقل او پخته و رسیده شد.» (عبدالحميد عمر، المعجم اللغة العربية المعاصرة، ١٤٢٩: ١ /٢٤١، ٢٤٣).

نتیجه آنکه در گسترۀ سنی و جنسی دیده می‌شود که عرب بلوغ جنسی و بلوغ عقلی را در نظر دارد، آنگاه که سخن از بلوغ جنسی است، از قرینه «الْحُلُمَ» بهره برده و و آنگه که بلوغ عقلی در میان باشد، از قرینه «أشُدّ» و «درک» بهره برده می‌شود، و این دو واژه نشانۀ شناخت، مقصد استعمالی آن–هاست.

۲/۱) بلوغ در اصطلاح فقهاء:

بلوغ «Puberty»در اصطلاح عقل متعارف و علمی «نُضج الأعضاء التناسليّة»؛ پخته‌گی اعضای تناسلی است و «سِنّ البُلوغ: العمر الذی یدرک فیه المرءُ بلوغَه، سنّ المراهَقة»؛ سن بلوغ، مرحله‌یی از عمر است که شخص به پخته‌گی و رشد رسیده باشد، یعنی سن رشد (عبدالحميد عمر، المعجم اللغة العربية المعاصرة، ١٤٢٩: ١ /٢٤٣).

فقیهان از معنای لغوی و عرفی فراتر نرفته‌اند، و بلوغ را یکی از مراحل سنی می‌دانند. در تعریف آن دو نوع نگاه دارند، یکی نگاه مرحله‌یی و دومی نگاه نشانه‌یی و مبتنی بر ویژگی‌ها.

در نگاه نخست، بلوغ را عبور از مرحله «صغر» و رسیدن به مرحله «تکلیف» می‌دانند. به عنوان نمونه: «انتهاء مرحلة الصغر، أی عدم التكليف، والدخول فی مرحلة التكليف؛ پایان مرحله صغارت، یعنی عدم تکلیف و داخل شدن به مرحله تکلیف (قلعجی و قنیبی، معجم لغة الفقهاء، ١٤٠٨: ١١٠). در این نگاه مرحله‌یی فقیهان به هر پسر و دختر مدرک، بالغ و بالغه می‌گویند. در شریعت پایان مرحله صغارت انسان است تا شارع تکالیف شرعی را بر او حاکم سازد. در این مرحله حجر و بازداشته شدن او از تصرفات برداشته شده است (المجددی، التعريفات الفقهية، ١٤٢٤: ٤٢ ، ٤٦) .

در تعریف مبتنی بر ویژگی‌ها و نشانه‌ها، بیشتر از واژۀ «حلم» و «احتلام» بهره‌برده‌اند تا واژه بلوغ. به عنوان نمونه: «الاحتلام: ما يراه النائم من المنامات. اسم لما يراه النائم من الجماع، فيحدث معه إنزال المنی غالبا؛ احتلام چیزی است که خواب‌رفته در خواب‌هایش می‌بیند. اسمی است برای جماع و هم‌بستری که خواب‌رفته می‌بیند، که غالباً با انزال منی همراه می–باشد». در عرف فقیهان، لفظ «احتلام» در همین معنای دومی از جهت کثرت استعمال غلبه یافته است، تا آنجا که ابن حجر «احتلام» را انزال آب پرجهش «الماء الدافق» برابر است که با جماع یا غیر آن و در خواب یا بیداری، می–داند. حنفیه «احتلام» به مشخصاً «الامناء، انزال منی» می‌دانند و خروج منی بدون خواب را، احتلام می‌دانند (أبوحبيب، القاموسی الفقهی لغة و فقها، ١٤٠٨، ١٠١ – ١٠٢). بدین گونه « الحلم: البلوغ» شده است.

در تعریف نشانه‌یی، سنیان نشانه‌های بالغ شدن را احتلام، إحبال (آبستن شدن) و انزال می‌دانند. به نظر آنان دختر با احتلام، حیض و آبستن شدن بالغ می‌شود، در صورت عدم وجود این نشانه‌ها در شناخت حداکثری کامل شدن سن پانزده سالگی را برای هر دو جنس و در شناخت حداقلی برای پسران دوازده سالگی و برای دختران نُه سالگی را ملاک می‌دانند (المجددی، التعريفات الفقهية، ١٤٢٤: ٤٦).

فقیهان جعفری نیز چنین نگاه داشته‌اند، به عنوان نمونه برابر بانگاه نخست بلوغ را «الدخول فی سن التكليف، أی انتهاء حد الصغر، والوصول إلى بدء التكليف»؛ وارد شدن به سن تکلیف یعنی پایان عمر صغارت و رسیدن به آغاز تکلیف، گفته‌اند و از نظر نشانه‌یی، در پسر علامت آن را احتلام و انزال و در دختر احتلام، حیض و آبستن دانسته اند. در صورت عدم وجود این نشانه‌ها در پسران سن پانزده سالگی و در دختران نُه سالگی را سنجیدار بلوغ گرفته‌اند (فتح الله، معجم ألفاظ الفقه الجعفری، ١٤١٥: ٨٩، ٢٣٣، ٢٩٦)» .

به نظر می‌رسد، اختلاف بنیادین میان فقیهان به نظر نمی‌رسد، هم در تعریف مرحله‌یی و هم در تعریف نشانه‌یی، از این جهت نوعی از وفاق میان فقهاء برقرار است. به جز اینکه حنفیان احتلام را به انزال منی در خواب و ابن حجر آن را گسترش داه است، به حالت انزال منی در خواب و غیر خواب.

به این گونه به دو گونه بلوغ می‌رسیم، یکی بلوغ بلوژیکی، از نظر بیولوژیکی احتلام نشانه‌یی بلوغ پسران و احتلام، حیض و آبستن نشانۀ بلوغ دختران است. دومی، بلوغ عقلی که از تمیز میان خوب و بد و تصرفات راشدانه انسان در امور زندگی به ظهور می رسد.

۳/۱) واژه‌های هم پیوند با بلوغ

یکی از چیزهایی که در راستای درک بلوغ مددگار واقع می‌شود، فهم واژه–های هم‌پیوند با بلوغ در دستگاه معرفتی فقهی مسلمانی است. برخی از این واژه‌گان هم‌پیوند عبارت‌اند از:

۱/۳/۱) كِبَر: فقیهان «کبر» را در گسترۀ سنی به دو معنا اطلاق می‌کنند. یکی، اینکه انسان به مرحلۀ شیخوخیت و ضعف برسد، پس از آنکه مرحلۀ کهولت را عبور کرده است. دومی، که از آن خروج از حالت صغارت و دخول به مرحله جوانی را مراد کرده اند، که به معنای بلوغ، اصطلاحی می–باشد.

۲/۳/۱) اِدْرَاک: در لغت به معنای لحاق و پیوستن است و به معنای بلوغ حیوان و ثمر نیز کاربرد دارد. در دیدگاه فقیهان به معنای رسیدن به «حُلم» اطلاق شده است، که مساوی است با بلوغ. برخی فقیهان از آن پخته‌گی را مراد کرده‌اند.

۳/۳/۱) حُلْم و اِحْتِلَام: در لغت به معنای این است که نائم چیزی را در خواب ببیند، برابر است که خیر باشد یا شر. در معنای فقهی ویژه شده به این معنا که نائم در خواب ببیند که جماع و هم‌بستری می کند، برابر است که همراه با انزال باشد یاخیر. در این معنا مساوی با بلوغ است.

۴/۳/۱) مُرَاهَقَة: رسیدن به بلوغ معنا شده است، و معنای اصطلاحی و لغوی آن یکسان است. این واژه با بلوغ مترادف است .

۵/۳/۱) أَشُدّ: رسیدن به تمییز و معرفت است، و عبارت از مرحله‌یی است که بعد از صغارت شروع می‌شود، یعنی از وقت بلوغ انسان تا سن چهل سالگی، أَشُدّ به ادراک و بلوغ نیز اطلاق شده است. بدین معنا أَشُدّ و بلوغ در برخی از اطلاقاتش یکسان هستند.

۶/۳/۱) رُشْد: رشد در لغت برخلاف ضلال و گمراهی است. در اصطلاح فقهاء صلاحیت داشتن مالی شخص است، در نزد اکثر فقیهان . برخی صلاح در دین و مال را رشد دانسته اند. رشد سن معین ندارد، گاهی پیش از بلوغ پدید می‌آید که نادر بوده و حکمی در شریعت ندارد، و گاهی با بلوغ یکجا حاصل می‌شود، و گاهی بعد از آن دستیاب می‌شود، در کاربرد فقیهان، هر رشیدی بالغ است، اما هر بالغی رشید نیست (الموسوعة الفقهية الكويتية،٨/ ١٨٦ – ١٨٨).

Mandegar DAILY

صاحب امتیاز: **احمد ولی مسعود**
مدیر مسؤول: **نظری پریانی – ۰۷۰۰۲۶۳۱۵۲**
ویراستار: **روح الله یوسف زاده**
مدیر خبر: **هارون مجیدی**
گزارشگران: **ناجیه نوری، روح‌الله بهزاد و ابوبکر صدیق**
برگ‌آرایی: **مجیب‌الله احمدی_۰۷۰۶۲۳۴۰۶۰**

نشانی برقی: **mandegar.daily@gmail.com**
شمارهٔ تماس: **۰۷۸۵۲۹۹۶۶۰**
مسؤول توزیع: **نادری – ۰۷۴۴۶۰۰۶۳۰**
نشانی: **سرک ۱۳ وزیراکبرخان، کوچه چهارم دست چپ**
به جز «سخن ماندگار» مسؤولیت دیگر نبشته‌ها به نویسنده‌گان برمی‌گردد.
چاپ: **مطبعه امام**

Year 11 ● NO 2656 ● Sunday ● 19 January 2020 www.mandegardaily.com

د بیا شمېرل کېدونکو محلونو په ټړاو د ټاکنو کمېسیون ته معلومات استول شوي؟

د افغانستان د ټاکنو خپلواک کمېسیون ته د عملیاتي پلان جوړولو په هدف د معلوماتو سپارلو په اړه د ټاکنیزو شکایتونو کمېسیون غړي ضد او نقیضې څرګندونې کوي.

د دغه کمېسیون د دارلانشا رئیس چمن شاه اعتمادي وایي، دوی معلومات د ټاکنو کمېسیون ته سپارلي، خو د دغه کمېسیون یو کمېشنر قطب الدین رویدار وایي، نن یا سبا به دا معلومات وسپارل شي.

ښاغلي اعتمادي د شنبې په ورځ ازادي رادیو ته وویل، دوی د ټبرې چهارشنبې په ورځ، د انتخاباتو کمېسیون ته د عملیاتي پلان جوړولو په ټراو د هغو محلونو په اړه معلومات سپارلي چې باید رأیې په کې له سره وشمېرل شي.

هغه وویل: «د ټبرې چهارشنبې په ورځ مو د انتخاباتو کمېسیون ته د هغو محلونو په اړه چې باید رایې په کې بیا وشمېرل شي معلومات او راپورنه استولي دي، مونږ یوازې دې ته په تمه یو چې د ټاکنو کمېسیون څه وخت چمتو کېږي چې د رایو بیا شمېرنه پیل کړي او مونږ ترې نظارت وکړو.»

ښاغلی اعتمادي وایي، څومره چې دا بهیر څنډېږي، د انتخاباتو د ورستیو نتایجو اعلان هم ځنډنی کوي.

خو د دغه کمېسیون یوه کمېشنر قطب الدین رویدار بیا ازادي رادیو ته په یو استول شوي غږیز پیغام کې ویلي، تر دې دمه د ټاکنو خپلواک کمېسیون ته دغه معلومات نه دي استول شوي.

«مونږ تر اوسه پورې تفصیلي راپور د محلونو په اړه له ولایتونو نه دی تر لاسه کړی او کله مو چې دا راپور تر لاسه کړ، نن یا سبا به دغه لیست د ټاکنو کمېسیون ته وسپارو.»

د ټاکنیزو شکایتونو کمېسیون له خوا د په ولایتونو کې د شکایتونو څېړلو بهیر د دوشنبې په ورځ پایته ورسېد او د استیناف غوښتنې پروسه پیل شوه.

د ټاکنیزو شکایتونو کمېسیون د مسئولینو خبره، تر دې دمه له دوی سره د استناف ۲۲۰۰ غوښتنې قضیې ثبت شوي او دا مرحله به نن پای ته ورسېږي.

د ټاکنیزو شکایتونو کمېسیون د پرېکړې پر بنسټ باید د ۲۱ ولایتونو په ۵۳۷۸ محلونو کې بیا رأیې وشمېرل شي چې دا کار باید ټاکنو خپلواک کمېسیون وکړي.

خو د ټاکنو خپلواک کمېسیون مسوولین وایي، دوی به هغه مهال اقدام وکړي چې عملیاتي پلان ورسره شریک شي.

د ټاکنو خپلواک کمېسیون د دارالانشا مشر حبیب الرحمان ننګ د شنبې په ورځ ازادي رادیو ته وویل، له دوی سره په دې اړه تر اوسه هیڅ معلومات نه دي شریک شوي.

هغه وویل: «مونږ د عملیاتي پلان د ترتیب لپاره له ټاکنیزو شکایتونو معلومات غوښتي دي. دا پلان هغه وخت جوړولی شو، چې دوی له مونږ سره معلومات شریک کړي. کله چې معلومات مونږ ته راکړل شول، ممکن یوه ورځ ونیسي چې دا پلان برابر کړو.»

د ښاغلي ننګ په خبره، نه په ولایتونو او نه هم په مرکزي دفتر کې د رایو د بیا شمېرنې د محلونو په اړه له دوی سره معلومات شریک شوي دي.

د افغانستان د ازادو او عادلانه انتخاباتو د څار بنسټ یا فیفا وایي، په کار ده چې د دواړو کمېسیونونو ترمنځ لازمه همغږي رامنځته او په نښه شویو محلونو کې ژر تر ژره د رایو د بیا شمېرنې پروسه پیل شي

موضوع: اعلان تدارکات مقدار(۳۸۰۰۰)، (۷۳۰۰) لیترپترول و (۹) قلم سایرروغنیات مورد ضرورت شفاخانه ۱۰۲بسترخیرخانه

ریاست شفاخانه ۱۰۲بسترخیرخانه ازتمام داوطلبان واجد شرایط دعوت می نماید تادرپروسه داوطلبی مقدار ۱۱یازده قلم تیل وروغنیات برای جنراتورها وامبولانسها) دارای نمبرتشخیصه M۰PH-GDCM-HRP-KHH-NCB -۱۳۹۹-G۰۳ اشتراک نموده ، نقل چاپ شده ویاسافت کاپی شرطنامه مربوطه را ازشعبه تدارکات ریاست شفاخانه ۱۰۲بسترخیرخانه وهمچنان درمرکز از پروژه ریفورم شفاخانه ها وزارت صحت عامه باارائه درخواست ضم کاپی رنگه جواز فعالیت و فورم تصفیه حسابات مالیاتی آخرین دوره بدست آورند ، آفرهای خویش را مطابق مندرج شرایط شرطنامه طبق قانون وطرزالعمل تدارکات طور سربسته ازتاریخ نشر اعلان مدت (۲۱) روز تقویمی الی ساعت ۱۰ بجه قبل ازظهر روز یکشنبه تاریخ ۱۳۹۸/۱۱/۲۰سال مالی ۱۳۹۹ به صندوق آفرها درشعبه تدارکات مدیریت عمومی اداری شفاخانه ۱۰۲بسترخیرخانه واقع شهرکابل حصه دوم خیرخانه لیسه مریم بگذارند.آفرهای دیر رسیده وانترنیتی قابل پذیرش نبوده ، شرایط اشتراک بارائه اسناد می باشد.

تضمین آفر بصورت پول نقد ویابانک گرانتی قابل قبول مبلغ ۹۵۰۰۰ نودوپنج هزار افغانی بوده جلسه آفرگشایی به روز یکشنبه بتاریخ ۱۳۹۸/۱۱/۲۰ساعت ۱۱بجه قبل ازظهردراطاق کنفرانس ، منزل دوم شفاخانه ۱۰۲بسترخیرخانه به حضورداشت اشتراک کننده گان و هیئت مؤظف دایرمیگردد.

شماره های تماس به منظور دریافت شرطنامه

۱. شفاخانه۱۰۲بسترخیرخانه نمبرتماس ۰۷۰۰۶۰۳۱۵۵

۲. پروژه اصلاحات شفاخانه ها_ وزارت صحت عامه نمبرتماس ۰۷۰۰۸۹۲۸۸۸

فصل سرما و اخاذی راننده‌گان

امین سیرت

کابل شهری است پُر از مشکلات و کاستی‌های فراوان که گاهی زنده‌گی در این شهر را سنگین می‌سازد. این مشکلات ریشه در ناکاره‌گی مسوولان و بی‌توجهی باشنده‌گان آن دارد. یکی از این چالش‌ها که با سرد شدن هوای کابل و به‌ویژه با ریزش برف و باران دامن‌گیر مردمان این شهر می‌شود، اخاذی راننده‌گان است.

راننده‌گان در این فصل سرما از مجبوریت شهروندان شهر کابل استفاده کرده و به بهانه‌های مختلف کرایه را بالای مردم وضع می‌کنند و مسیرها را نیز کوتاه می‌سازند. در حالی که کرایه و مسافهٔ هر مسیر مشخص است.

در جریان دو هفته اخیر با ریزش برف در شهر کابل، کرایه موترهای مسیری دو چند و سه‌چند توسط راننده‌گان بدون در جریان بودن مسوولان بالا رفته است.

ایمل حمیدی باشندهٔ کوتل خیرخانه در صبحت با خبرنگار روزنامهٔ ماندگار می‌گوید که او در یکی از اداره‌های دولتی کار می‌کند، هر روز به‌خاطر رسیدن سروقت در کارش مجبور است که هر آن‌چه راننده‌گان بگوید برایش کرایه بدهد. او می‌گوید که هر عصر روز به سرای شمالی می‌آید تا نزدیک شام منتظر می‌ماند که مگر موتری پیدا کند.

این باشندهٔ کابل، دلیل کمبود موتر در این مسیر را راهبندان می‌داند و می‌گوید که پیش از ریزش برف کرایه موتر از سرای شمالی تا کوتل خیرخانه ۱۰ افغانی بود و با ریزش برف راننده‌گان کرایه دوچند و سه‌چند افزایش داده‌اند.

مسعود فیاض نیز می‌گوید که او در مندوی شهر کابل دوکان دارد و هر صبح ۳۰ افغانی کرایه می‌دهد که تا ده افغانان می‌رود.

او می‌گوید که هر چند کرایه موتر از سرای شمالی تا ده افغانان ۲۰ افغانی بود اما در این روز اخیر کرایه موتر در این مسیر از مرز ۳۰ افغانی گذشته حتا تا ۵۰ افغانی رسیده است.

این باشنده شهرکابل هم چنان می‌گوید که دولت باید مسوولیت بگیرد وقتی که برف‌باری می‌شود، سرک‌ها را باید نمک بپاشد یا جاروب کند تا از حوادث ترافیکی جلوگیری شود و هم‌چنان سیستم ترانسپورتی باید نظارت شود تا در این روزها مردم فقیر که روزانه درآمدشان اندک است مجبور به پرداخت کرایه دو چند و سه چند نشوند.

گل محمد یکی از راننده‌گانه دلیل افزایش کرایه را در روزهای برفی، پاک نبودن سرک‌ها می‌داند و می‌گوید: راننده‌گان به دلیل این که موترشان نلغزد و تصادف نکند با بسیار احتیاط راننده‌گی می‌کنند، به همین دلیل مصرف تیل موتر نیز زیاد می‌شود و راننده‌گان مجبور اند که کرایهٔ بیشتر بگیرند.

هر چند اخاذی راننده‌گان به جز فصل سرما در فصل‌های دیگر کمتر از فصل سرما نیز وجود دارد که راننده‌گان به دلایل ازدحام و راه‌بندان که ناشی از بی‌توجهی به قوانین ترافیک، می‌باشد کرایه‌های‌شان افزایش می‌دهند.

از سوی دیگر، پولیس ترافیک در بعضی نقاط شهر کابل روی رفت‌وآمد موترها نظارت دارد و شماری از راننده‌گان را که اضافه‌ستانی کرده بودند، جریمهٔ نقدی کرده است.

پولیس ترافیک به راننده‌گان هشدار داد، در صورتی که از مردم اضافه‌ستانی کنند، مورد بازپرس قرار خواهند گرفت.

این در حالی است که با رسیدن فصل سرما علاوه از اخاذی راننده‌گان، جرایم جنایی، آلوده‌گی هوا، بالارفتن قیمت مواد سوخت و اولیه و بعضی موارد دیگر از مشکلات اند که شهروندان شهر کابل به آن دست و پنجه نرم می‌کنند.

وزیر خارجهٔ پاکستان در گفت‌وگو با پمپئو:

ایران به دنبال جنگ نیست

وزیر امور خارجهٔ پاکستان که از سوی کشورش به تلاش برای کاهش تنش‌های موجود میان ایران و امریکا مامور شده جمعه شب در جریان دیدار با مایک پمپئو در واشنگتن تاکید کرد که تهران به دنبال جنگ و درگیری نظامی نیست.

شاه محمود قریشی که در اقدامی میانجی‌گرایانه هفته گذشته به تهران سفر کرده بود در دومین مرحله از تلاش‌های خود برای کاستن از شدت تنش میان تهران و واشنگتن به آمریکا سفر کرده است. وی در ملاقات با وزیر خارجه امریکا تاکید کرده است که تهران به دنبال کاهش تنش‌ها با امریکا است و قصد جنگ و رویارویی نظامی ندارد.

آقای قریشی بدون آنکه تایید یا تکذیب کند که حامل پیامی از سوی مقامات ایرانی است تصریح کرد به این نتیجه رسیده است که ایرانی‌ها نمی‌خواهند به وخیم شدن اوضاع دامن بزنند.

وزیر امور خارجه پاکستان پس از این ملاقات در واشنگتن به خبرنگاران گفت: «آنها (ایرانی‌ها) خواهان جنگ و خون‌ریزی نیستند».

شاه محمود قریشی که کشورش روابط بسیار نزدیکی با عربستان، رقیب منطقه‌یی ایران دارد همچنین یادآور شد که مقامات ایرانی برای کاستن از تنش‌های موجود با کشورهای عرب همسایه نیز اعلام آماده‌گی کرده‌اند.

وزیر امور خارجهٔ پاکستان در این خصوص تصریح کرد: «آنها به مشکلات و اختلافات موجود با دیگر کشورهای مهم منطقه اذعان دارند و تاکید کرده‌اند که حاضر اند در هر سطح و به هر شکلی برای حل این اختلاف‌ها پا به میدان بگذارند».

محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجهٔ ایران نیز که در هند به سر می‌برد روز جمعه در پاسخ به سوالی درخصوص میانجی‌گری هند برای حل اختلافات میان ایران و عربستان گفته بود که کشورش آماده مذاکره با عربستان و سایر کشورهای حوزهٔ خلیج فارس است و پیش‌تر برای ایجاد صلح و آرامش در منطقه پیشنهادهایی را نیز ارائه کرده بود.

شاه محمود قریشی پیش از این در تلاش برای یافتن راهی جهت کاستن از تنش‌های موجود میان ایران امریکا به تهران سفر کرده و با حسن روحانی، رییس‌جمهوری و دیگر مقامات این کشور دیدار و گفت‌وگو کرده بود.